

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به **GOOGLE PLAY** و **APP STORE** نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



Azizi Bank
Master Card



www.azizibank.af

1515



یادداشت روز صفحه ۲

ضرورت فوری ما جنگ است نه صلح

شورای عالی صلح از طرح استراتژی صلح برای پنج سال آینده خبر داده و گفته است به زودی این استراتژی که حاوی دیدگاههای مختلف است اعلام خواهد شد. عبدالخیبر اوچقون یکی از معاونین این شورا به بی بی سی گفته است برگزاری یک کنفرانس ملی مشمول این طرح است. شورای عالی صلح از اوایل ماه جاری (۵ اسد) به این طرف نشستهای مشورتی بی را با نهادهای مختلف در مورد استراتژی پنج ساله آغاز کرده است. شورای صلح گفته است با تکمیل شدن این استراتژی در یک نشست از طالبان می خواهد...



جنگ در هلمند؛ طالبان در ۱۳ کیلومتری شهر لشکرگاہ رسیده اند

بیشتر صحبت نمایید - کمتر بپردازید

60000

دقیقه فقط در بدل ۴۹۹ افغانی برای ۳۰ روز

از افغان بیسیم به افغان بیسیم

برای اشتراک
#۱*۲*۳*۳*۲*۱*
را دایر نمایید

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

۱۵۲ | یک شرکت افغانی، توسط افغانها، برای افغانها | برای لغو اشتراک #۱*۲*۳*۳*۲*۱* را دایر نمایید



شنبه
۱۶ اسد
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۱۲۰



یادداشت روز

ضرورت فوری ما جنگ است نه صلح

شورای عالی صلح از طرح استراتژی صلح برای پنج سال آینده خبر داده و گفته است به زودی این استراتژی که حاوی دیدگاه‌های مختلف است اعلام خواهد شد. عبدالخبیر اوجقون یکی از معاونین این شورا به بی‌بی‌سی گفته است برگزاری یک کنفرانس ملی مشمول این طرح است. شورای عالی صلح از اوایل ماه جاری (۵ اسد) به این طرف نشست‌های مشورتی‌بی را با نهادهای مختلف در مورد استراتژی پنج‌ساله آغاز کرده است. شورای صلح گفته است با تکمیل شدن این استراتژی در یک نشست از طالبان می‌خواهد به روند صلح بیبوندند.

آیا جنگ تمام‌عیار طالبان با دولت افغانستان ناشی از فقدان یک استراتژی صلح بوده است؟ با تکمیل شدن این استراتژی شورای عالی صلح در یکی از مجل‌ترین و امن‌ترین هتل‌های کابل کنفرانس برگزار خواهد کرد و مهم‌ترین نکته‌ی این استراتژی که دعوت از طالبان به صلح باشد را اعلام خواهد کرد. دعوت طالبان به صلح، استراتژی پنج سال آینده است؟

آن‌گونه که مسئولین این شورا گفته‌اند، نقطه‌ی عطف این استراتژی را دعوت از طالبان به صلح تشکیل می‌دهد. دعوت از طالبان از این پیش‌فرض ناشی شده است که گویا تاکنون هیچگاه از طالبان خواسته نشده است تا آن‌ها به روند صلح بیبوندند. واقعیت امر اما این است که تاهنوز تمام تلاش‌های حکومت و هزینه‌هایی که تاکنون به مصرف رسیده بر محور «دعوت» از طالبان متمرکز بوده است. از زمان تأسیس شورای عالی صلح تا اکنون نشست‌های گوناگون در سطوح مختلف داخلی و منطقه‌یی، نشست‌های چندجانبه به‌شمول نشست با طالبان به‌منظور تأمین صلح و پایان جنگ برگزار شده است. به‌صورت مشخص، حکومت وحدت ملی گفت‌وگوهای صلح را اولویت اصلی کار خود قرار داد و به‌صورت مذبحخانه سعی ورزید تا صلح را به سرانجام مورد نظر که تأمین صلح در کشور باشد برساند. ایجاد گروه هماهنگی جدی‌ترین تلاش آن بود که اکنون به بن‌بست رسیده است. نتیجه‌ی چندین سال تلاش زیر عنوان گفت‌وگوهای صلح با طالبان کشور را تبدیل به یک عرصه‌ی نبرد کرده است. در حال‌حاضر مساله نه فقدان استراتژی صلح بلکه نبود یک استراتژی جنگ است.

شورای عالی صلح زمانی از تدوین چنین یک استراتژی سخن می‌گوید که طالبان به‌طور گسترده در نقاط مختلف کشور حملات‌شان را آغاز کرده است. مطابق گزارش‌ها، طالبان در چند کیلومتری شهر لشکرگاه رسیده و همزمان گزارش شده است که ولسوالی‌های امان صاحب و قعله‌زال قندوز در حال سقوط قرار دارند. در چنین یک وضعیتی، طرح استراتژی صلح بیشتر به سرگرمی و شوخی می‌ماند تا یک ضرورت. حتا اگر شورای عالی صلح چنین دیدگاهی را از باب مسئولیت هم طرح کرده باشد، خلاف واقع و حتا غیرمنتظره است. حکومت به یک چشم‌انداز نظامی نیازمند است، به یک استراتژی مبارزه با تروریسم و طالبان تا بیشتر از این شهروندان کشور و نیز هزاران سربازی که به‌دلیل سردرگمی و غیبت استراتژی جنگ در میدان نبرد جان می‌دهند، قربانی نشوند.

آن‌چه می‌تواند استراتژی صلح پنج‌ساله‌ی این شورا را در چنین یک شرایطی توضیح دهد، بی‌خبری مجموعه‌یی از آدم‌هایی است که زیر چتر این شورا گرد آمده‌اند و معاش‌های هنگفتی را دریافت می‌کنند اما از شکندگی اوضاع امنیتی اطلاعات مخدوش و نارسا دارند. وقتی از شورای عالی صلح پرسیده می‌شود که هیأت طالبان به پاکستان یا به چین سفر کرده دیدگاه شما چیست، اظهار بی‌خبری می‌کند. ولسوالی‌ها یکی پی دیگر به دست طالبان سقوط می‌کنند، هزاران نفر به فیجیح‌ترین شکل ممکن به‌دست طالبان کشته می‌شوند، به گروگان گرفته می‌شوند و شورای عالی صلح اطلاع ندارد. در وضعیتی که حکومت بر ۳۵ درصد از اراضی کشور حاکمیت نداشته باشد و قلمرو حاکمیت طالبان هر روز بیشتر شود، آیا ما نیاز به استراتژی صلح داریم یا ضرورت به تدوین برنامه‌ی جنگی؟

جنگ در هلمند؛

طالبان در ۱۳ کیلومتری شهر لشکرگاه

رسیده‌اند

مسلح را کشته‌اند. او گفته است همچنان در عملیات زمینی ۳۰تن از مخالفان مسلح در ناعدلی و ۲۵تن دیگر در ولسوالی مارجه کشته شده‌اند.

در همین حال دفتر مطبوعاتی والی هلمند در تماس به روزنامه‌ی اطلاعات روز می‌گوید تنها شب گذشته (پنج‌شنبه شب) ۷۵ نفر کشته شده‌اند. منبع می‌گوید در میان این کشته‌شدگان ۱۰ تن پاکستانی نیز شامل‌اند که آموزش جاسازی ماین و ساخت ماین را آموزش می‌دادند.

آقای حیات همچنان در بیانیه‌اش نوشته است که دشمن ۲۵ جنازه را در قبرستان بزرگ باباجی، ۲۷ جنازه را در ولسوالی گرشک، ۷ جنازه را در قبرستان کاریز و ۳۹ جنازه را در قبرستان سیستانی ولسوالی مارجه دفن کرده‌اند.

«نظامیان کشور با مشکلات روبه‌رو اند،

افزون بر دوام جنگ در هلمند، نمایندگان مردم هلمند، قندهار و ارزگان می‌گویند نظامیان کشور با مشکلات روبه‌رواند.

کریم اتل، رییس شورای ولایتی هلمند می‌گوید که در جریان چهار روز ۵۷۶تن از نیروهای امنیتی در هلمند زخمی و شهید شده اما این ارقام از سوی حکومت پنهان می‌شود.

عطاجان حق‌بیان، رییس شورای ولایتی زابل نیز می‌گوید: «ارگان‌های امنیتی، یعنی ارتش، پولیس و امنیت و پولیس مرزی با کمبود امکانات و تجهیزات روبه‌رو هستند.»

اما دفتر مطبوعاتی ولایت هلمند در تماسی تلفنی به روزنامه‌ی اطلاعات روز گفت که قوت‌های کافی در اختیار داریم که مقابله‌ی دشمن را کرده بتوانیم، ولی به هدایت مرکز از قندهار قطعات خاص کماندویی هم آمده‌اند.

تاکنون از تلفات دقیق نیروهای امنیتی کشور آمار و جزئیاتی در دست نمی‌باشد.

هلمند، ولایت هم‌سرحد با پاکستان، طی سال‌های اخیر شاهد رویدادهای ناگوار و جنگ‌های شدیدی بوده است.

اوباما: شمار زیادی از سربازان امریکایی برای سرکوب

داعش در افغانستان خواهند ماند

خواهند داد تا جنگ‌جویان داعش سرکوب شوند.

رییس‌جمهور امریکا درحالی این گفته‌ها را مطرح می‌کند که اخیراً رییس‌جمهور غنی هم در سفرش به قول اردوی ۲۰۱ سیلاب دستور عملیات علیه گروه داعش را صادر کرد. او گفته بود: «داعش همراهی ما چه کار داره، آیا پلوان‌شریک ما است، آیا بابه‌کلاش با ما شریک است، چه شراکت دارد با ما، چه دعوا دارد با ما، از همین‌جا به شما اعلام می‌کنم که تا هفته‌های آینده قول اردوی قهرمان سیلاب بیخ و ریشه‌ی داعش را قطع کند.»

پس از آن چندین عملیات بر مواضع این گروه در ننگرهار انجام شد. سپس جنرال جان نیکلسون، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان گفت در شش ماه گذشته نیمی از جنگ‌جویان داعش در افغانستان از بین رفته‌اند.

داعش بیشتر در شرق کشور فعال بوده و یک ایستگاه رادیویی نیز فعال کرده بود. اما اخیراً مقام‌های کشور اعلام کردند که این گروه شکست سختی خورده و ایستگاه رادیویی آنان از بین برده شده است.

رییس‌جمهور: نسل جدیدافغانستان

نسل رهبری، صلح و ثبات است

و می‌توانید به خوبی از خاک و مردم خود نمایندگی نمایید.»

آقای غنی گفت امروز مطرح نیست که شما سازمان ملل را تمثیل می‌کند، مهم این است که شما آینده‌ی افغانستان را تمثیل می‌کنید.

وی همچنان خطاب به جوانان گفت شما نسل تقسیم نه بکله نسل اتصال هستید، خون هر یک‌تان، خون غزت، افتخار و اراده است. او گفت که من روزی خواهم رفت و مسئولیتیم این است که افغانستان را به شما تسلیم نمایم. آقای غنی گفت: «امروز اراده‌ی افغانستان به فضل خداوند هر روز جوانتر و رو به مسلکی شدن می‌رود.» آقای غنی گفته است از جمله ۲۰شاروال که جدیداً تعیین گردیده، اکثریت‌شان ۲۸ تا ۳۵ سال سن دارند و برکت دیدگاه واضح، تعهد و تجربه‌ی شما، افغانستان به صلح و ثبات و رفاه دایمی خواهد رسید.

افغانستان چگونگی سقوطیک

هلیکوپتر پاکستانی در لوگر را

بررسی می‌کند

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی می‌گوید دولت پاکستان برای عبور یک هلیکوپتر از فضای افغانستان به‌سوی روسیه، اجازه گرفته بود اما در مورد این که آیا هلیکوپتری که در لوگر سقوط کرده همان بوده یا خیر، تحقیق می‌کند.

مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که این هلیکوپتر شش سرنشین داشت که یکی از آنان یک انجنیر روسی بود که اکنون از سوی طالبان گروگان گرفته شده‌اند.

پیش از چاشت روز پنج‌شنبه یک هلیکوپتر «ام‌آی ۱۷» به رنگ سفید در منطقه‌ی لکی ولسوالی ارزه‌ی ولایت لوگر سقوط کرد. در پیوند به آن، سفارت پاکستان در کابل اعلام کرد که یک هلیکوپتر دولت محلی پنجاب که برای عملیات نگهداری و بازرینی به روسیه پرواز کرده بود، در لوگر سقوط کرده است.

دولت وزیری، سخن‌گوی وزارت دفاع ملی کشور روز جمعه به رسانه‌ها گفت که بررسی‌ها در این باره آغاز شده و هنوز معلوم نیست که آیا این همان هلیکوپتری است که قرار بود برای ترمیم به یکی از کشورهای آسیای میانه برود یا نه.

در همین حال جنرال راحیل شریف، رییس ستاد ارتش پاکستان برای راهیی سرنشینان این هلیکوپتر از افغانستان و امریکا خواستار کمک شده است.

همچنان اختر منیر، سخن‌گوی سفارت پاکستان به رسانه‌ها گفته بود که برای پرواز این هلیکوپتر بر فراز خاک افغانستان از دولت افغانستان جواز گرفته شده بود.

گروه طالبان تاکنون در پیوند به این رویداد اظهار نظر نکرده است.

سقوط این هلیکوپتر در ولایت لوگر پرسش‌های زیادی را برانگیخته است.

وزارت مخابرات: ادعای کاهش

سرعت انترنت و وضع سانسور

بر شبکه‌های اجتماعی ناقص و

بی‌اساس است

اطلاعات روز: پس از آن‌که نی یا دفتر حمایت از رسانه‌های آزاد افغانستان ادعا کرد که وزارت مخابرات در برخی از مناسبت‌ها برای جلوگیری از آزادی بیان عملاً سرعت انترنت را کاهش می‌دهد، اکنون وزارت مخابرات و تکنولوژی با نشر بیانیه‌یی این ادعا را رد نموده و می‌گوید این اظهارات از روی حدس و گمان گفته شده تا به رؤیت اسناد و مدارک واقعی.

به روز پنج‌شنبه، ۱۴ اسد، نی در محفل گرامی‌داشت از «هفته‌ی رسانه‌های اجتماعی» ادعا کرد که سرعت انترنت در افغانستان قناعت‌بخش است اما وزارت مخابرات در برخی مناسبت‌ها برای جلوگیری از آزادی بیان از روی عمد انترنت را به‌گونه‌یی مدیریت می‌کند که کیفیت‌اش پایین باشد.

نی همچنان مدعی است که مکثویی توسط جمعی از وکلای ملت برای سانسور شبکه‌های اجتماعی به مقام ریاست‌جمهوری و از آن‌جا به وزارت مخابرات فرستاده شده و این وزارت در این راستا اقدام کرده است.

اکنون وزارت مخابرات با نشر بیانیه‌یی می‌گوید که ارابه‌ی خدمات صوتی و انترنتی سراسری، یکسان و عادلانه برای شهروندان از مسئولیت‌های عمده‌ی این وزارت بوده و این وزارت بر این تعهد خود استوار و قاطع است.

در بیانیه آمده است: «پایین آوردن کیفیت عمدی انترنت، خلاف اصول و وظایف وزارت بوده و به‌هیچ‌وجه به چنین اقدامی مبادرت نورزیده و نخواهد ورزید.»

همچنان این بیانیه ادعای دریافت مکتوب از سوی مجلس نمایندگان و ریاست‌جمهوری را رد نموده و می‌گوید تاکنون در هیچ مورد و یا مناسبتی به هدف وضع محدودیت بر کاربران شبکه‌های مجازی کدام مکتوب یا هدایتی از آدرس رهبری حکومت وحدت ملی دریافت نکرده و اصلاً چنین ادعایی بی‌اساس و نادرست است.

وزارت مخابرات تأکید می‌کند که رهبری حکومت وحدت ملی و وزارت مخابرات حامی آزادی بیان و آزادی مطبوعات بوده و هیچ اراده‌یی برای قطع، کاهش کیفیت و یا وضع سانسور بر رسانه‌های اجتماعی در نزد افراد تصمیم‌گیرنده در این وزارت وجود ندارد.

این وزارت از نهادهای حامی رسانه‌ها و مسئولان نی می‌خواهد که اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های خود را بر واقعیت‌ها و اسناد معتبر استوار ساززند و به شایعات و گزارش‌های ناقص و بی‌اساس اعتبار نکنند.

این گفته‌ها درحالی مطرح می‌شود که در سال‌های اخیر استفاده از شبکه‌های مجازی به‌ویژه فیسبوک در افغانستان رشد چشم‌گیری داشته و در شکل‌دهی اعتراضات نقش مهم و تاثیرگذار داشته است. در این شبکه‌ها کاربران به‌صورت آزادانه به مسایل روز پرداخته و اظهار نظر می‌کنند.



مخمصه‌ی هزاره‌ها! تاب تحمل تراژدی دیگر را نداریم

ما برای یک مدت طولانی قربانی تروریسم بوده‌ایم، اما حمله‌ی وحشیانه‌ی اخیر خطر خاصی را برجسته می‌کند که اقلیت قومی هزاره با آن مواجه است

گاردین/عبدالکریم حکمت

ترجمه: حمید مهدوی



به مصرف رسانده است و استرالیا در نشست سران ناتو در ماه جولای سال جاری کمک سالانه ۱۰۰ میلیون دلار امریکایی را به نیروهای پولیس و ارتش افغانستان تا سال ۲۰۲۰ تعهد کرد. مهم‌تر از همه، استرالیا ۲۷۰ نیروی دفاع در افغانستان دارد که به نیروهای امنیتی افغانستان آموزش و مشوره می‌دهند. با این حال، وزارت امور خارجه‌ی استرالیا در پی حمله در کابل حتا یک بیانه‌ی مطبوعاتی صادر نکرده است در حالی که در ارتباط به حملات در استانبول و نیس در فرانسه این کار را کرد. عدم اذعان به مخمصه‌ی هزاره‌ها، به‌طور کلی در رویکرد حکومت استرالیا در زمینه‌ی سیاست پناهندگی جا افتاده است چون این اذعان، به ادعاهای ما وزنه می‌بخشد که هزاره‌ها در افغانستان با خطر مواجه‌اند. در ماه فبروری سال جاری، وزارت امور خارجه گزارشی را در مورد هزاره‌ها نشر کرد که برای تعیین وضعیت پناهندگی تهیه شده بود و در آن ادعا کرد که هزاره‌ها، در مقایسه با غیرهزاره‌ها، با خطر بزرگ‌تری مواجه نیستند. با این حال، ویلیام مالی، استاد دیپلماسی در دانشگاه ملی استرالیا و کارشناس مسایل افغانستان به من گفت که این گزارش واقعیت موجود در مورد هزاره‌ها را انعکاس نمی‌دهد، هزاره‌هایی که بر اساس «هویت مذهبی» شان با تهدیدات سیستماتیک مواجه‌اند. او گفت: «گرایش افراط‌گرایان برای حمله بر آن‌ها از بین نرفته است. بنابراین، این نتیجه‌گیری که افغانستان، به‌شمول پایتخت، برای هزاره‌ها امن است یک اشتباه جدی است. نتایج این حمله بر هزاره‌ها بسیار عمیق است و خطر خاص برای هزاره‌ها را که از لحاظ فیزیکی متمایز هستند، برجسته می‌سازد». اخیرا هزاران هزاره که در جاده‌های پایتخت احساس امنیت نمی‌کنند و احساس می‌کنند حکومت خودشان آن‌ها را نادیده می‌گیرد، در افغانستان و در خارج از کشور، از جمله در استرالیا، با هشتگ #enlightenment به تویتر رو آوردند و بیش تر از ۳۸۰ هزار پست فرستادند تا درد و رنج‌شان را جهانی بسازند و خواستار عدالت، امنیت بهتر، خدمات بهتر و پایان تبعیض علیه هزاره‌ها شوند. یکی از آن‌ها گفت: «حملات بر هزاره‌ها ما را قوی‌تر ساخت تا برای عدالت بجنگیم. زنده باد عدالت، زنده باد روشنایی». به دنبال این رویداد پرسش‌های زیادی مطرح شده و سازمان‌دهندگان این تظاهرات و همچنین حکومت افغانستان را به‌خاطر این رویداد ترازیک مقصر دانسته شده‌اند. حکومت افغانستان کمیسیون خودش را تشکیل داده است که بیشترین اعضای آن حکومتی‌ها هستند و مستقل پنداشته نمی‌شوند و در نتیجه توسط جنبش روشنایی که خواستار [حقیقت یابی] توسط ناظران بین‌المللی است، رد شده است. استرالیا می‌تواند نقش ایفا کند. نمی‌توان آن‌هایی را که از دست رفته‌اند پس آورد اما حداقل خانواده‌های آن‌ها که تعدادی از آن‌ها شهروندان استرالیا هستند باید مطمئن شوند که آن‌ها عزیزان‌شان را به‌خاطر هیچ دست نداده‌اند و جامعه‌ی هزاره‌ی استرالیا دیگر تاب تحمل تراژدی دیگر را ندارد.

متاثر و غیرعادی بودند. تقریباً همه کسی (پسر عمو، برادر و شخصی از روستای‌شان) را می‌شناختند که چنین زود از این جهان رفتند. اشک‌های سخن‌گویان جاری بود و همین‌طور از جمعیت. حبیبه روشن، دختر جوان هزاره، در حالی که درگیر بند آوردن اشک‌هایش بود، گفت: «من شجاعت زیادی به خرچ دادم که این‌جا آمدم چون دردی دارم که مثل مورچه‌ها روی بدنم جست‌وخیز می‌کند. هیچ کسی درد مرا نمی‌فهمد. همه ساکت‌اند. اجازه بدهید بپرسم، اشک‌هایی که از چشمانم فرو می‌ریزد چیست؟ این اشک‌ها چه معنایی دارند؟ من معنایی برای آن ندارم. می‌توانید به من بگویید که معنای آن چیست؟». دوباره هق‌هق گریه سر مردم را مانند شمع‌ی که اشک می‌ریخت پایین برد. هیچ‌کسی برای این غم و اندوه واگیر آماده نبود. هیچ‌کسی دستمال کاغذی نیاورده بود، آن‌ها سرهای‌شان را روی دستان‌شان گذاشتند و گریه کردند و اشک‌های‌شان را با آستین‌های‌شان و زنان با گوشه‌ی چادرهای‌شان پاک کردند. رویداد کابل جامعه‌ی هزاره در استرالیا و در سراسر جهان را در هم شکسته است. شب زنده‌داری‌ها در شهرهای دیگر استرالیا برپا شدند. پارک‌ها و دیگر مکان‌های نمادین، مانند فدریشن اسکوپر، به مکان‌های عمومی برای عزاداری تبدیل شده‌اند. با این حال، بسیاری از استرالیایی‌ها، به‌جز یک گزارش خبری زودگذری [که شنیده‌اند]، شاید در اندوه ما شریک نباشند و در عین حال حضور و ورود ما به‌عنوان مهاجران در این‌جا بحث و ترس ایجاد می‌کند. ما را، به‌جای قربانی تروریسم، به‌عنوان تهدید به تصویر کشده‌اند و مرگ هزاره‌ها یک تراژدی دور به‌نظر می‌رسد. با این حال، همبستگی و همدلی بیشتر به قربانیان در غرب محدودند. اما برای ما، این [تراژدی] به اندازه‌ی تراژدی‌یی که در لندن، پاریس یا بالی اتفاق افتاد، دردناک است. ما برای مدت طولانی‌یی قربانی تروریسم بوده‌ایم. حملات داعش وحشیانه‌ترین حملات از زمان سقوط طالبان‌اند و این حملات سیستماتیک شده است. این حملات بسیار معمول است و اتفاق تازه‌یی نیست. به این دلیل من شانزده سال قبل، در دوران طالبان، افغانستان را ترک کردم و از آن زمان اعضای خانواده‌ی خودم کشته شده‌اند یا مورد حمله قرار گرفته‌اند. حمله در کابل خطری را که هزاره‌ها هنوز در کشورشان با آن مواجه است، انعکاس می‌دهد و این حمله همچنان ناتوانی حکومت افغانستان در محافظت از هزاره‌ها را نشان می‌دهد. در حالی که تأمین امنیت معترضان در کابل مسئولیت حکومت افغانستان بوده است، حکومت استرالیا که به حکومت افغانستان کمک مالی می‌کند، نیز باید مسئولیت بگیرد. از سال ۲۰۰۱، استرالیا، گذشته از ۷ میلیارد دلار هزینه‌ی نظامی، به‌طور مجموعی ۱٫۵ میلیارد دلار را به‌شکل کمک‌های توسعه‌ی و همچنین در زمینه‌ی «ظرفیت‌سازی نیروهای امنیتی افغانستان برای دفاع از افغان‌ها علیه طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی»

در نیمه‌ی شب چیزی مرا در خواب تکان داد و بیدارم کرد. نظر به عادت، فیس‌بوکم را چک کردم که پر از تصاویر کشتار [ناشی] از حمله بر معترضان در کابل بود. فکر کردم باید واقعیت نداشته باشد، یک کابوس بد باشد. وقتی بیشتر [فیس‌بوک را] مرور کردم، مطمئن‌تر شدم که واقعیت دارد. مردمانی را دیدم که صورت و لباس‌شان پرخون شده بود. لیزه‌یی بر تنم افتاد، دوستانم آن‌جا بودند و دیوانه‌وار به آن‌ها زنگ زدم اما پاسخی نگرفتم. در حالی که در بسترم دراز کشیده بودم و خواب از چشمانم به سرعت رفته بود، بیشتر اخبار را دنبال کردم. چهارراهی دهم‌زنگ را دیدم که خون پوشانده بود و گوشت انسان و اعضای [بدن انسان] با اندازه‌ها و شکل‌های مختلف در همه‌جا پراکنده بود و اجساد با گلوله‌های انفجاری سوراخ سوراخ شده بودند و خون‌شان جاری بود. مشاهده‌ی آن بسیار زنده بود. این رویداد در یک تظاهرات مسالمت‌آمیز هزاره‌های شیعه، گروه اقلیتی که خواهان عدالت، صلح و پایان یافتن تبعیض بودند، اتفاق افتاد. دولت اسلامی (داعش) مسئولیت حمله‌ی شنیع بر تظاهرات صلح‌آمیز معترضان در ۲۴ ماه جولای را به عهده گرفت. حد اقل ۸۷ تن کشته شدند و بیش از ۳۰۰ تن زخم برداشتند. تامل در مورد حملات کابل، بدون اذعان به وحشی‌گری این گروه که دین به‌تهدایی نمی‌تواند آن را توضیح بدهد، چطور ممکن است؟ هزاره‌ها، به‌عنوان شیعیان، اعتقاد، کتاب و خدای مشترک [با این گروه] دارند. این باید خطا در ایدیولوژی آن‌ها باشد که افکارشان را برای کشتن مردم به چنین روش سنگدلانه‌یی شکل می‌دهند. حمله در کابل صرف حمله بر هزاره‌ها نبود بلکه حمله بر دموکراسی و آزادی گردهم‌آیی نیز بود. «جنبش روشنایی» که به هدف آوردن زیربنا و خدمات بهتر به مناطق هزاره‌نشین شکل گرفته است، حدود سه ماه قبل آغاز به کار کرد و زاده‌ی سرخوردگی و بی‌زاری از حکومت افغانستان است که به‌دلیل تبعیض عمیق به مناطق فقیرنشین هزاره‌جات خدمات ارائه نمی‌کند. بعداً با دوستان و نزدیکانم در کابل صحبت کردم. احساس راحتی کردم، آن‌ها در امان بودند اما به‌دلیل این رویداد شوک دیده بودند. دوستی در مورد از دست دادن دوستانش صحبت کرد و سکوت طولانی‌یی وجود داشت. تمام شهر در غم و اندوه بود که از اختلافات نژادی و فرقه‌یی فراتر رفته بود. شب بعد با جمعی از عزاداران هزاره بیوستم که موج انفجار دو بمب در کابل را احساس کرده و در پارکی در ماریلند، در غرب سیدنی، گردهم آمده بودند. حدود یک هزار تن از مردان، زنان و کودکان با پذیرش یک شب سرد، دور نشانه‌یی که «کابل» خوانده می‌شد و با شمع نقاشی شده بود، گردهم آمده بودند. تعدادی از آن‌ها بازماندگان [دوران] طالبان بودند که به‌عنوان مهاجر آمدند و اکنون شهروندان استرالیا هستند و دیگر پناهجو بودند که روند پیگیری پرونده‌های‌شان هنوز تکمیل نشده است. حالت حزن‌انگیزی بود و هر کسی شمع‌ی در دست داشت - همه

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

پیروزی دال پشوری بر نبوغ حکومت وحدت ملی

برای اولین بار از شروع حکومت وحدت ملی تا به‌حال، به این حکومت افتخار کردم. دیروز این اتفاق مبارک افتاد. وه که روز جمعه اگر به حکومت خویش افتخار کنی می‌چسبد! جای‌تان خالی! می‌پرسید به چه چیزی افتخار کردم؟! به نبوغ، به منطق، به شعور و خردی که در این حکومت کنارهم قرار گرفته. داستانش قرار ذیل است: حکومت پاکستان به وزارت ترانسپورت و وزارت خارجه‌ی افغانستان تماس می‌گیرد و می‌گوید که یک هلیکوپتر ما خراب شده، از حکومت مقبول شما می‌خواهیم که به این طیاره اجازه‌ی پرواز در فراز آسمان نیلگون خویش را بدهید تا مع‌الخیر وارد روسیه شود و در آن‌جا آن را ترمیم کرده، دوباره از طریق پرواز در هوای مطبوع شما آن را به کشور دال‌خور خویش برگردانیم. وزارت‌های ترانسپورت و خارجه از روی نبوغ مفرطی که فضای این دو وزارت را احاطه کرده، اجازه‌ی پرواز به آن هلیکوپتر خراب را می‌دهند. در همین حال شماری از کارمندان این دو وزارت که قدرت خداوند هیچ عقل ندارند، بر این تصمیم خردافراز وزارت‌های‌شان اعتراض کرده می‌گویند: والله این جواز شما بسیار مشکوک بوی می‌دهد. یعنی چطور ممکن است یک طیاره خراب باشد و میزان خرابی‌اش به قدری باشد که باید حتماً در روسیه ترمیم شود، بتواند از پاکستان تا روسیه پرواز کند؟ اما مدیران هوشیار این دو وزارت فوراً جلو این اوباشان را گرفتند و گفتند: مگر کور شده‌اید یا کر؟ نمی‌بینید حکومت وحدت ملی را مقبول، آسمان ما را نیلگون و هوای ما را مطبوع و کشور خود را دال‌خور می‌گویند؟ حالا جدا از این که طیاره‌ی خراب می‌تواند پرواز کند یا نه، یک چیز دیگر هم قابل توجه است. این طیاره نشست، بعد از این که سرنشینان و چیزهای دیگر از داخل این طیاره را طالبان گرفتند که با خود ببرند، طیاره آتش گرفت. حکومت وحدت ملی، بسیار سریع یک کمیسیون سرنشین‌یابی شکل داده و به پاکستان هم قول داده که از تمام امکانات برای رهایی خدمه‌های این طیاره استفاده خواهد کرد. این کمیسیون قرار است خانه‌به‌خانه، خانه‌های طالبان در لوگر را جست‌وجو کند و ببیند که خدمه‌ها کجا شده‌اند؟ طالبان در این رابطه سخت از حکومت وحدت ملی انتقاد کرده و گفته: وقتی ما عسکرای خودتان را، وقتی ما مردم عادی خودتان را، وقتی ما مامورین دولتی خودتان را اسیر می‌گیریم، والله اگه تا دو ماه پشت شان برآیید. ما دَ غم نان دادن و آب دادن‌شان می‌مانیم و شما هر روز اتحاف دعا می‌کنید. حالا که ما برادران پاکستانی خویش را برده‌ایم، فوراً برایش کمیسیون جور می‌کنید. فکرتان باشه که ما می‌فامیم که شما دنبال برادرای پاکستانی نیستید، شما دنبال کدام چیزی دیگر هستید، قسم به خداوند قهار که یک قهرش باعث می‌شود ظرف دو روز، چهار ولایت‌تان را سقوط بدهیم، به آن چیز نخواهی رسید. بیابید لاش هلیکوپتر را ببرید، نوش جان‌تان. مگر متوجه باشید که از راه علاوالدین نبرید، زیر پل علاوالدین گیر می‌کند. البته من نمی‌دانم طالبان راست می‌گویند یا نه؟ فقط می‌دانم ده‌ها سرباز که در محاصره‌ی طالبان درآمده بودند، اکنون هم از محاصره‌ی طالبان نجات یافته هم از محاصره‌ی حکومت، چرا که طالبان همه‌ی آن‌ها را کشته‌اند. هرچند که پاکستانی‌های دال‌خور می‌دانند چه‌گونه این حکومت را با طول و عرضش، ظرف شش دقیقه و با چهار کلمه به تمام معنا احق کنند، اما بازهم زنده باد حکومت وحدت ملی. هژده سال بعد معلوم خواهد شد که این طیاره برای طالبان چه آورد، چه‌گونه آتش گرفت و هزار سوال دیگر. فعلاً آن‌چه مهم است، نجات جان شش خدمه‌ی این طیاره است که معلوم نیست در حال چه خدمتی به طالبان است. من هم به نوبت خود، برای کمیسیون سرنشین‌یابی توفیقات مزید می‌خواهم. آدرس طالبان در لوگر زیاد نامشخص نیست، در سه کیلومتری سمت شرقی خانه‌ی پدری آقای اشرف غنی بروید، همان‌جا است. دنگ و فنگ هم لازم نیست. شماری از کارشناسان معتقدند که دال بالاخره کار خودش را کرد. آن‌ها قسم می‌خورند که اگر زور دال نبود، پاکستان به هیچ وجه نمی‌توانست به همین سادگی حکومت ما را تحمیق کند. حالا نگرانی ما این است که پاکستان به این بهانه، کلاهک‌های هسته‌یی برای طالبان نیاورده باشد. یک‌دفعه دیدی که از لوگر شلیک کردند و یک سوم کابل را در جا نابود کردند (بسوزد دهنم). اما شکی هم نیست.

خط پایان برای حامد کرزی کجاست؟

منتقدان می گویند که رییس جمهور سابق افغانستان در حال تلاش برای بی ثبات ساختن دولتی است که بعد از او بر سر کار آمده است.



نیویورک تایمز / مجیب مشعل

ترجمه: معصومه عرفانی

حامد کرزی، رییس جمهور سابق افغانستان و از مخالفان کنونی دولت بعد از خود، علاقه دارد تا سیاست افغانستان را مانند یک مسابقه‌ی مارا تن توصیف کند.

با توجه به صف طولانی بازدیدکنندگانی که هر روز به ملاقات او می آیند - قدرتمندان و بزرگان منطقه‌ی، مقامات دولتی، رهبران مذهبی، ثناگویانی که با حسرت از سال‌هایی که او بر سر قدرت بود یاد می‌کنند- این استعاره روشن می‌شود. آقای کرزی هرگز از دویدن در مسیر مسابقه بازناهیستاده است، هرگز مانور دادن را متوقف نکرده است، و در آینده نیز این کار را نخواهد کرد.

مقدان آقای کرزی، به‌ویژه نزدیکان رییس جمهور اشرف غنی، او را متهم می‌کنند که با همکاری جناح‌های مخالف برای بی‌ثبات ساختن دولت و بهره‌برداری از بحران ملی که در نتیجه‌ی آن به وجود می‌آید، تلاش دارد تا به قدرت بازگردد - یا حداقل امتیازاتی را به زور کسب کند. آن‌ها می‌گویند که آقای کرزی به‌شکل فعالانه برای تضعیف رییس جمهور آسیب‌پذیر کنونی تلاش می‌کند، نفوذ سیاسی‌اش را بر قطب مخالف حفظ کرده است، و جنبش‌های اعتراضی را که برخی از خشونت‌آمیز شدن آن‌ها هراس دارند تحریک و حمایت می‌کند.

جواب آقای کرزی به این انتقادات چیست؟ او به صراحت هرگونه تلاش برای آسیب‌رساندن به دولت را انکار می‌کند. اما با لبخندی کنایه‌آمیز و معنادار می‌گوید: «اگر افرادی هستند که با شتاب بیشتری حرکت می‌کنند، کسانی که عقب می‌مانند نباید شکایت کنند».

با تعقیب جلسات روزمره‌ی آقای کرزی که تمام طول روز را در بر می‌گیرند - ده‌ها جلسات گفت‌وگو و مصاحبه‌ی تصویری و غیرتصویری- روشن است که او مانند کسی عمل می‌کند که گویا هنوز قدرت را به دست دارد.

ملاقات کنندگان بسیاری از او درخواست می‌کنند تا از اهرم فشار خود در دولت استفاده کند، و او با رضایت تلفن را برمی‌دارد تا با یک وزیر، والی، یا سفیر تماس بگیرد. او هنوز با رهبران جهان در ارتباط است و هر هفته نامه‌هایی را با امضای خود برای آن‌ها ارسال می‌دارد.

بخش زیادی از فعالیت‌های سیاسی آقای کرزی در نزدیکی ظهر اتفاق می‌افتد که جمعیت بزرگی برای خواندن نماز جماعت بر چمن‌های بیرون از خانه‌اش جمع می‌شوند و پس از ادای نماز برای صرف ناهار به اتاق غذاخوری روشنی در طبقه‌ی بالا می‌روند. در یک روز عادی، مقامات فعلی و سابق دولتی، جنرال‌ها، قاضی‌ها، بانک‌داران، رهبران قبیله‌ی، اعضای سابق طالبان و واعظانی از مساجد مهم کابل در این جمع حضور دارند.

آقای کرزی که یک داستان‌سرا و سخنور ماهر است، در جای خود در راس میز می‌نشیند.

آقای کرزی یکی از گفت‌وگوهای اخیر خود را در حال صرف سبزی پلو، و مرغ پخته‌شده با هویج مطرح می‌کند: «چه کسی این مساله

را مطرح کرده است که من قصد بازگشت دارم؟ من به روشنی گفته‌ام که این تصمیم را ندارم».

اما همین جمله کافی است تا یک مکالمه‌ی پرشور راه بیندازد که سرشار از حکایت‌هایی از دوران قدرت او و اعتماداندن مردم به دولت فعلی است. یک وزیر سابق دولت که در حال حاضر به‌عنوان مشاور آقای غنی کار می‌کند، تاکید داشت که آقای کرزی تنها جایگزین طبیعی و امید بزرگی برای ۹۰ درصد مردم کشور است که از دولت کنونی سرخورده شده‌اند.

آقای کرزی با دقت گوش می‌دهد. بعد سخن‌نیش‌دار دیگری را مطرح می‌کند.

به‌نظر می‌آید که او می‌خواهد دایم این سوال در اطراف او مطرح شود: اگر آقای کرزی قصد بازگشت به قدرت ندارد، پس دقیقاً او با افزایش فشار بر دولت فعلی که در حال حاضر نیز در لبه‌ی پرتگاه قرار دارد، قصد دستیابی به چه چیزی دارد؟

این دولت در حقیقت در لبه‌ی پرتگاه است. در گفت‌وگوهای خصوصی، مقامات افغانستان و غرب به‌طور یکسان نگرانی خود را از این مساله ابراز می‌دارند که ممکن است دولت آقای غنی با بحران وجودی مواجه شود که احتمال اوج‌گرفتن آن به همین زودی و در ماه آینده وجود دارد.

پایان ماه سپتامبر، آخرین فرصت دولت برای اجرای تعهداتی است که در معامله‌ی سیاسی پس از فاجعه‌ی اختلافات انتخاباتی سال ۲۰۱۴ با میانجیگری وزیر امور خارجه‌ی امریکا جان کری مطرح شده است. قرار است که افغانستان تا آن زمان انتخابات پارلمانی را انجام بدهد، اصلاحات انتخاباتی گسترده‌ی به‌وجود بیاورد، و همچنین به‌منظور ایجاد مقام نخست‌وزیر برای رقیب انتخاباتی آقای غنی و شریک فعلی‌اش در قدرت، آقای عبدالله عبدالله، در قانون اساسی تجدیدنظر و اصلاحات به‌عمل آورد. اما ماه‌ها قبل مشخص شده بود که امکان پیش‌رفتن براساس برنامه‌ی تعیین‌شده وجود ندارد و آقای کرزی علناً تاکید کرده بود که دولت آقای غنی قصد دارد بدون توجه به این تعهدات تا پایان دوران پنج‌ساله‌ی خود ادامه بدهد.

این تنها آغاز کار است. وضعیت امنیتی کشور، باوجود افزایش دخالت نظامی امریکا در جنگ، به‌شکل فزاینده و خیم‌تر شده است. طالبان مناطق بسیاری را تصرف کرده‌اند و مناطق بسیار دیگری در تهدید سقوط هستند.

آقای غنی، تکنوکراتی پروپاقرص، ناگزیر بوده است تا تمرکز خود را بر امنیت قرار دهد و طرح‌های اقتصادی او متوقف شده‌اند. و ناگهان، او با یک جنبش اعتراضی خیابانی ازسوی قوم هزاره که دولت را متهم به تبعیض سیستماتیک می‌کند به چالش کشیده می‌شود.

تظاهرات اخیر مورد حمله‌ی بمب‌گذاران انتحاری قرار گرفت. در این حمله که ادعا می‌شود دولت اسلامی (داعش) در آن دست داشته است، حداقل ۸۰ نفر کشته شدند. اکنون تظاهرکنندگان

حکومت را متهم می‌کنند که به شکل هدف‌مند آن‌ها را در معرض این حمله قرار داده است و به آقای غنی اولتیماتوم داده‌اند تا پایان مهلت تعیین‌شده -باز هم در ماه سپتامبر- خواسته‌های آن‌ها را برآورده سازد.

در راس تمام مشکلاتی که مطرح شد، یک جنبش اعتراضی جدید و بالقوه بسیار خطرناک‌تر، در شمال پایتخت، کابل، در حال رشد است. این جنبش از دولت می‌خواهد تا پادشاه راهزن شمالی را که نزدیک به یک قرن از مرگ او توسط شلیک گلوله می‌گذرد، بار دیگر و این‌بار با احترام به خاک بسپارد. در میان مردمی که خواستار تدفین دوباره‌ی او هستند، و تهدید به راه‌اندازی تظاهرات کرده‌اند، فرماندهان شبه‌نظامی شمال قرار دارند که مدت‌های زیادی است به آقای غنی بدبین شده‌اند و آن‌ها نیز ماه سپتامبر را به‌عنوان مهلت نهایی قرار داده‌اند.

مقامات دولتی آقای کرزی و متحدان او را متهم می‌کنند که در تظاهرات‌های اخیر دست داشته است. اما او می‌گوید که نه در پی فروپاشی دولت است و نه بازگشت به قدرت. او می‌گوید: «من هیچ شکی در این زمینه ندارم».

کرزی می‌گوید که او خواستار این است که مشروعیت دولت با پایان مهلت ماه سپتامبر تایید شود و تنها راه باقی‌مانده برگزاری یک لویه جرگه‌ی سنتی از بزرگان سراسر کشور است.

فشار آقای کرزی برای برگزاری لویه جرگه، حرکتی است که به‌طور گسترده به‌عنوان اقدامی مقدماتی برای بازگشت به قدرت یا حداقل استفاده از اهرم فشاری برای مذاکره و کسب امتیاز دیده می‌شود. قدرت او وابسته به قدرتمندان و رهبران قبیله‌ی است که هنوز در کنار او ایستاده‌اند، درحالی که آقای غنی برای بسیاری از آن‌ها یک بیگانه است.

همین نکته به درک این مساله کمک می‌کند که آقای کرزی از یک شبکه‌ی قدرت -ملی و محلی- که در طول ۱۳ سال و بیش از آن شکل گرفته است نمایندگی می‌کند. این شبکه احساس می‌کند که به تدریج تحت ریاست‌جمهوری آقای غنی در حال ریشه‌کن شدن است و اگر دولت فعلی بعد از پایان مهلت سپتامبر نیز بر سر کار بماند، به‌شدت تضعیف می‌شود.

در قندهار، قدرتمندان محلی که ارتقای خود را به حمایت‌های آقای کرزی مدیون هستند، اخیراً با مقاماتی که آقای غنی در رابطه با مساله‌ی مالیات‌ها و سودآورترین منابع آن‌ها فرستاده‌اند به مشکل برخوردند. یکی از اعضای پارلمان از شمال که اخیراً به دیدن آقای کرزی رفته بود شکایت کرده است که دولت به شکل سیستماتیک دسترسی او را قطع کرده است و تلاش دارد تا پایه‌های حمایت متقابل آن‌ها را تضعیف کند. او گفته است که اگر وضعیت بدین‌قرار ادامه داشته باشد و آقای کرزی طرح خود را به روشنی بیان نکند، ممکن است از سفر خارجی خود بازنگردد.

اگر این شرایط به سوی یک مبارزه‌ی سیاسی آشکار پیش برود، مشخص نیست که آقای غنی بتواند با بهترین شانس که در برابر

آقای کرزی دارد، امتیاز زیادی به‌دست بیاورد: این‌که بحران‌های سیاسی و امنیتی فعلی ریشه در دورانی دارند که آقای کرزی قدرت را در دست داشته است، و همچنین میراث رییس‌جمهور سابق برای او یک سیستم رشوه‌خواری، خویشاوندسالاری و فاسد بوده است...

این مساله تاحدی برمی‌گردد به این‌که آقای کرزی در تلاش بوده است تا از فراست اجتماعی خود برای روشن‌تر کردن میراث خود پس از ۱۳ سال به‌دست‌داشتن قدرت استفاده کند.

آقای کرزی که در همسایگی ارگ ریاست‌جمهوری زندگی می‌کند، می‌گوید که برنامه‌های روزانه‌اش نسبت به زمانی که رییس‌جمهور بود اندکی تغییر کرده است. او وقت آزاد بیشتری برای استراحت در بعد از ظهر دارد، اما صبح‌های او شلوغ‌تر هستند. او در مقایسه با زمان ریاست‌جمهوری‌اش، با افراد بیشتری ملاقات می‌کند. دفتر او تخمین می‌زند که به‌طور متوسط، آقای کرزی در ماه با بیش از ۴۰۰ نفر ملاقات دارد. هر روز عید، جشن سه روزه‌ی مسلمانان که دو بار در سال اتفاق می‌افتد، آقای کرزی دروازه‌ها را برای پذیرش بازدیدکنندگان که گاهی شمار آن‌ها به ۶۰۰۰ نفر می‌رسد باز می‌کند.

از لحظه‌ی که هر روز صبح او محل اقامت خود را ترک می‌کند، دو دختر کوچکش او را دنبال می‌کنند، اما او که همیشه با عوامل سرویس مخفی همراهی می‌شود، همچنان در حرکت است. آقای کرزی که اکنون ۵۸ ساله است، خود را بیش‌فعال می‌داند و چهار یا پنج فنجان قهوه‌ی اسپرسو در روز می‌نوشد.

او هنوز در میان گروه‌های کاملاً متفاوتی از مردم حضور پیدا می‌کند؛ از بزرگان شهر ارزگان که صحبت‌های او را با انتقادات تند و پرشوری قطع کردند، تا گروه‌های جوانانی که برای صحبت از آخرین تحقیقات خود به ملاقات او می‌روند.

آقای کرزی آن‌ها را به خنده می‌آورد، و زمانی که از شدت خنده اشک آن‌ها جاری شد، همان اتفاقی که اخیراً برای گروهی بازدیدکنندگان از مرکز پیش آمد، به آن‌ها دستمال کاغذی تعارف می‌کند.

آقای کرزی با این کارها به دنبال هرچه باشد، مقامات غربی در کابل تصدیق می‌کنند که او یک مدیر و سیاستمدار بامهارت است، اما الزاماً نمی‌توان مفهوم روشنی از آن‌چه کرزی در پی کسب آن است برداشت کرد. او می‌تواند به شیوه‌های مختلفی تحت فشارهای اندک یا گسترده قرار دهد، آهن‌های زیادی را در این آتش گذاخته کند، و شاید آقای غنی را به سمت یک خطای جدی پیش ببرد.

اما آقای غنی نیز کاملاً بدون سرمایه نیست. وضعیت بیشتر به این بستگی دارد که رییس‌جمهور چه تعداد از مخالفان بسیار زیاد خود را برای حداقل تاحدی در حاشیه نگه داشتن آقای کرزی با خود همراه کند.

آقای کرزی برنده‌ترین انتقاد خود را بر مساله‌ی حفظ کرده است که به‌نظر او بزرگ‌ترین گناه آقای غنی است: بازکردن دروازه‌ها، به شکل تاسف‌برانگیز، برای حضور ایالات متحده و تکیه کردن بر آن برای بقای خود.

آقای کرزی که در تعطیلات چهارم جولای برای سفیر امریکا در کابل گل و پس از آن نامه‌ی امضا شده برای ابراز سیاست فرستاد، در مصاحبه‌ی با خبرگزاری «نیویورک تایمز» در هفته‌ی گذشته گفت: «امریکایی‌ها که اصلی‌ترین شعار آن‌ها دموکراسی است، در حال ساخت نسخه‌ی جعلی از دموکراسی در افغانستان هستند».

در اساس او مخالف حضور امریکا نیست، اما می‌گوید: او فقط از آن‌ها می‌خواهد بمب‌اندازی در کشورش و دخالت در روند سیاسی، همان اتهامی که او بر آقای کری وارد می‌داند و باور دارد در سفر بهاری‌اش با تاکید بر دوام دولت آقای غنی این کار را انجام داده است، متوقف کنند.

آقای کرزی در این مصاحبه گفت: «این دخالت آشکاری برای تضعیف حاکمیت در افغانستان است. به این کشور نگاه کنید: ما غیر از غرور و حاکمیت خود چه چیزی برای مان باقی مانده است؟ بعد یک نفر می‌آید -از یک سرزمین خوب و آرام، امریکا-، این‌جا در کشور ما می‌ایستد تا طول دوره‌ی دولت ما را همان‌طور که خودش صلاح می‌داند تعیین کند؟ این یک توهین است.»

در همین حال، جریان ملاقات‌کنندگان ادامه دارد و آقای کرزی آن‌ها را با مثل‌هایی که گاهی مانند روایتی برای گذر زمان به‌نظر می‌آیند، و گاهی مانند پیش‌بینی، سرگرم می‌کند.

در جریان صرف ناهار در یک روز، او داستانی از مسافران خسته در بیابان را مطرح کرد که از فاصله‌ی دور شعله‌های آتش را می‌بینند و صدای نواختن طبل به گوش آن‌ها می‌رسد. در آن‌جا مردانی در حال اجرای رقص محلی «اتن» هستند. مسافران تصمیم می‌گیرند که شب را در آن‌جا سپری کنند و برای این‌که میزبان با آن‌ها احساس راحتی بیشتری داشته باشد، در رقص به آن‌ها می‌پیوندند.

اما رقص همچنان ادامه پیدا می‌کند. آقای کرزی به مهمانانش گفت: «یکی از مسافران که عاقل‌تر از بقیه بود دریافت که این رقصی شیطانی است و تمام شب ادامه خواهد داشت. صبح که برسد، هیچ نشانه‌ی از رقص با شیطین وجود نخواهد داشت».

او لحظه‌ی توقف کرد و بعد به نکته‌ی آخر رسید: «ما در رقص شیطان گرفتار آمده‌ایم». او ادامه داد: «زمانی که خورشید بالا بیاید، شیطین رفته‌اند اما ما هنوز در همین سرزمین خشک باقی مانده‌ایم».

پهلک

سرخسیداهاتف

در روز امتحان

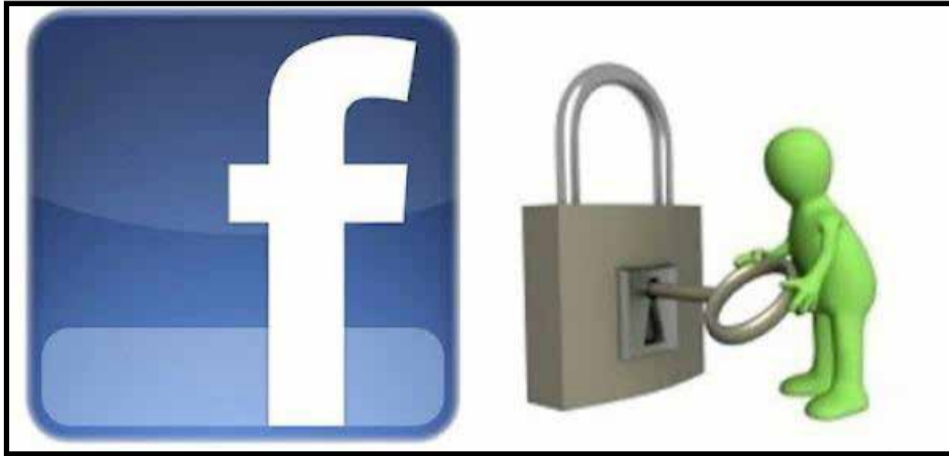
آتش سوزی در مارکیت زدران، در پایتخت افغانستان، اتفاق وحشتناک و دردآوری بود. اگر بر اساس آموزه‌های فرهنگ سنتی افغانستان فکر کنیم که مال و منال دنیا «بلاگیر» اند و بنابراین نباید برای سوختن دکان‌ها و مغازه‌ها خیلی غم خورد، برای از دست رفتن جان آدم‌ها در این آتش سوزی نمی‌توان از این موضع سخن گفت. حداقل، دیدیم که یک نفر خود را از طبقه‌ی بالایی مارکیت پایین انداخت و جان باخت. این آتش سوزی و نحوی مدیریت دولت در برابر آن مورد بسیار گویایی بود که نشان داد در این مملکت و در این دولت چه می‌گذرد.

دولت تا ساعت‌ها نتوانست این آتش سوزی را مهار کند. اگر نمی‌توانست مهار کند، حدس بزنید که چه امید دیگری می‌توان به این دولت بست. اگر می‌توانست مهار کند و نکرد، تصور کنید که چه آفت خطرناک دیگری در سینه‌ی این نظام رو نهان کرده و خاموش نشسته و گاه‌گاه نقاب از چهره می‌اندازد و بانگ در می‌دهد. به نظر می‌رسد که آتش سوزی مارکیت زدران رویای وحشتناکی بود که تعبیر روشن‌اش را هنوز به تمامی ندیده‌ایم و از دیدن‌اش تن می‌زنیم:

اگر مارکیت زدران را مجموعه‌یی از نشانه‌گان عینی برای مفهومی چون «فرصت» ببینیم، وقوع حریق در این مجموعه را می‌توان «فرصت سوزی» نامید. دولت وحدت ملی دولتی است که دایماً فرصت سوزی می‌کند. جالب آن که همان گونه که در مارکیت زدران برای احتمالات خطرناک و مواقع اضطراری هیچ راه برون‌رفت دوراندیشانه‌یی پیش‌بینی و تعبیه نشده بود، در دولت وحدت ملی نیز اندیشه‌ی مدیریت اضطرار و خروج از بن‌بست بحران‌های سخت صفر است. سوختن مارکیت زدران، از هر جهت که نگاه کنیم، آزمونی بود برای دولت. دولتی که ثانیه‌یی از گزافه‌گویی در باره‌ی دست‌آوردهای بزرگ خود باز نمی‌ایستد. وقتی که این دولت در روز امتحان کوچکی چون آتش سوزی در یک مارکیت تمام ناتوانی‌ها و ناکارایی‌های خود را پیش چشم مردم نهاد، دیگر بر کدام سخن این دولت می‌توان اعتماد کرد؟ دولتی که از سوختن یک مارکیت نتوانست جلوگیری کند یا حداقل دامنه‌ی خطر و ضرر در این آتش سوزی را محدود نگه دارد، چه گونه می‌تواند از سوختن فرصت‌های پیچیده‌تر، که مهارت و کار و تعهد اجتماعی بیشتر می‌طلبد، جلوگیری کند؟ مارکیت زدران نماد همه‌ی فرصت‌هایی بود که در این همه سال در مملکت انباشته شده بود.

محدودسازی دنیای مجازی؛ حفظ حرمت یا گسترش محرومیت؟

کلمه عمران راتب



کم‌کاری‌ها و بدکاری‌های خود و نشر آن در صفحه‌های فیسبوکی ترسیده باشند. زیرا منطقی ندارد که نمایندگان صرفاً به‌خاطر جلوگیری از تبلیغات سوء در صفحات جعلی و یا نشر اکاذب، خواستار اعمال محدودیت در استفاده از فیسبوک شوند و با این کار، حق میلیون‌های شهروند دیگر را نیز سلب کنند. آن‌ها می‌توانند در برابر این کار، دست به عمل‌المثل بزنند، یعنی با نشر و ارائه‌ی حقایق و پاسخ منطقی دادن به ابهامات و پرسش‌ها، نقض غرض مدعی و یا مخالف کنند. تازه این رویارویی به نمایندگان محترم یاری می‌رساند تا نکات و موارد تاریکی را که در رابطه با کار و مسئولیت‌شان به‌وجود آمده و باعث سوءبرداشت و گمانه‌زنی‌ها و حتا وارد نمودن اتهام‌ها شده، روشن کنند، به ابهامات و پرسش‌ها پاسخ دهند و در صورت بر حق بودن، مدعیان را جاعل و محرّف و خودها را صادق و پاسخ‌گو ثابت کنند. کجای این کار بد است؟ قاعده نیز همین است: زمانی که بالای نمایندگان ادعایی صورت می‌گیرد، در صورت کذب این ادعا، آن‌ها چرا آن ادعای کاذب را جلو چشم همگان بر آفتاب نمی‌اندازند که خاموشانه از اداره‌ی امور می‌خواهند دسترسی به و استفاده از فیسبوک را محدود سازد؟

حقیقت اما این است که وقتی در دنیای حقیقی دزد یار و همراه قافله می‌شود، دنیای مجازی تبدیل می‌شود به صحنه‌ی داوری و تنها عرصه‌ی قضاوت‌های درست. ورنه به‌دور از عقلانیت است که نمایندگان مجلس به‌عوض فراهم‌آوری بیشتر امکانات استفاده از ابزار و وسایل آسایش شهروندان در حد توان که وظیفه و مسئولیت‌شان هم ایجاب می‌کند، دست‌به‌دست هم داده و از اداره‌ی امور ریاست جمهوری بخواهند که شهروندان را از این تنها مکانی که بوی گند فساد و مافیان و انتحار در آن کم‌تر است، نیز محروم سازد.

به‌ترتیب، این اقدام نمایندگان مجلس به کودتایی می‌ماند که علیه حداقل آزادی شهروندان صورت گرفته است. چه این که نه فراهم‌آوری آن محصول کار و زحمات نداشته‌ی نمایندگان مجلس است و نه هزینه‌ی آن بر شانه‌های نمایندگان بار می‌شود و بر این اساس، نه اعمال محدودیت بر استفاده از آن، حق این نمایندگان. اما صیانت از این آزادی، بدیهی است که یکی از وظایف مهم این نمایندگان است. اما با تأسف، این اقدام در امتداد دیگر اقدامات ناروای شماری از نمایندگان، نشان‌دهنده‌ی این امر است که در مجلس نشستگان، بیشتر از این که نماینده‌ی حق و خواست مردم باشند، نماینده‌ی منفعت و میل خودند؛ و در زمانه‌یی که حکومت نیز به‌جای ادای مسئولیت و پاسخ‌دهی به مطالبان شهروندی، با آن‌ها راه ستیز را در پیش گرفته است، خواست اعمال محدودیت بر فیسبوک از سوی نمایندگان مجلس، قرآنتی است از یک فاجعه‌ی دیگر و خلق فضای خفقان و اختناق در زمانی که آزادی نخستین و اساسی‌ترین نیاز شهروندان است.

حال راندن اتومبیلی که تازه در بازار عرضه شده است. مدلول این سخن این است که آدم‌ها و حتا آن ابزاری که این آدم‌ها را در انتظار عموم به نمایش می‌گذارد، همه تبدیل به وسیله‌یی شده است جهت رونق بیشتر بازار، گسترش صنعت، جذب مخاطب و مشتری و یا حتا رقابت‌ها و انتقام‌گیری‌های سیاسی. در این میان، حتا فرهنگ نیز خاصیت ابزاری را به‌خود گرفته و با آن برخورد صرفاً منفعت‌طلبانه و کارپردی صورت می‌گیرد. نمودهای فرهنگی را از زمینه‌ی تاریخی و بار ارزشی آن تهی می‌کند و فقط با آن بخش از فرهنگ رابطه برقرار می‌شود که بتوان از آن به‌مثابه یک «دکان» کار گرفت. متافیزیک یا ارزش معنوی فرهنگ در چنین استفاده‌یی، محو و زایل می‌گردد و آن‌چه که از آن باقی می‌ماند، مشتی تبلیغات و هیاهو است برای خلق هیاهوی بیشتر و تحمیل آدم‌های بیشتر. نمی‌توان کاری کرد. این عین واقعیتی است که در جهان امروزی باید آن را درک کرد و لاجرم، پذیرفت. زیرا سیر تاریخ و رسم تغییر و دیگرگشت زندگی انسان‌ها به‌گونه‌یی است که با تمام زشتی‌ها و نکبت‌زدگی‌های زمان حاضر، به گذشته‌ها که فقط سیاهی آن در خاطره‌ها باقی مانده است، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان برگشت. تمثیل بهتری این وضعیت، شاید به‌صورت تونلی باشد که در درون آن قرار گرفته‌ایم و با هر بار گام برداشتن به جلو، سقف و ستون پشت‌سر فرو می‌ریزد و امکان برگشت از ما سلب می‌گردد.

یادآوری این نکات از آن‌رو بود که گفته باشم حقیقت حال حاضر همین است و وقتی با استفاده از محاسن و مزایای تکنولوژی مدرن دچار شغف و شادی می‌شویم، نباید فراموش کنیم که در ازای این شادی و آسایش، مقداری هم هزینه برداریم و اندک‌جایی هم برای لغزش‌های احتمالی مدنظر بگیریم. اما اقدام اخیر نمایندگان مجلس، از سنخ متفاوت و غیر از این است. این اقدام در عام‌ترین و نادقیق‌ترین تعبیر هم، چیزی جز خواست و اراده‌ی خفقان و اختناق نیست. با پدید آمدن دنیای مجازی، اغراق نمی‌تواند بود اگر بگوییم که حجم وسیع و عظیمی از زندگی انسان‌ها، به آن دنیا انتقال یافته است. ممکن است تعریفی را که در دنیای حقیقی از انسان و حقوق مدنی انسان داریم، به‌تمامی در دنیای مجازی قابل تطبیق نباشد، اما شکی نیست که آزادی‌یی که انسان‌ها در دنیای مجازی دارند، دقیقاً منزلت همان آزادی‌یی را دارد که در دنیای حقیقی از آن‌ها سلب شده است. انسانی که امروزه بیش از هر زمانی دیگر نیازمند آزادی و رسانه و اطلاعات و دانش است، هنگامی که به‌لطف بلاهت‌زدگی و نکبت‌بارگی حاکمان در دنیای حقیقی از آن‌ها محروم می‌شود، دنیای مجازی حیثیت خانه و آسایش‌گاه او را پیدا می‌کند. سلب حق استفاده از این خانه، یعنی تخریب منزل‌گاه انسان، چیزی نیست جز جهنم ساختن زندگی بر او. نمایندگان مجلس ممکن است بیشتر از این که از استفاده‌ی نادرست شهروندان از فیسبوک احساس ناراحتی کنند، از افشای

حقیقت اما این است که وقتی در دنیای حقیقی دزد یار و همراه قافله می‌شود، دنیای مجازی تبدیل می‌شود به صحنه‌ی داوری و تنها عرصه‌ی قضاوت‌های درست. ورنه به‌دور از عقلانیت است که نمایندگان مجلس به‌عوض فراهم‌آوری بیشتر امکانات استفاده از ابزار و وسایل آسایش شهروندان در حد توان که وظیفه و مسئولیت‌شان هم ایجاب می‌کند، دست‌به‌دست هم داده و از اداره‌ی امور ریاست جمهوری بخواهند که شهروندان را از این تنها مکانی که بوی گند فساد و مافیان و انتحار در آن کم‌تر است، نیز محروم سازد.

شماری از رسانه‌ها به‌نقل از «نی» یا نهاد حمایت‌کننده‌ی رسانه‌های آزاد در افغانستان، گزارش داده‌اند که تعدادی از نمایندگان مجلس مکتوبی را عنوانی اداره‌ی امور ریاست جمهوری ارسال داشته و در آن خواهان محدودیت فیسبوک در کشور شده‌اند. هرچند که تاکنون جز سخن‌گویی وزارت مخابرات، هیچ نهاد دیگری این امر را به‌عنوان یک مسأله و یا مطالبه از جانب نمایندگان مطرح نکرده است، اما درز نامه‌ی فرستاده‌شده‌ی نمایندگان به اداره‌ی امور نیز به‌خودی‌خود می‌تواند بیان‌گر واقعیت‌های ناگوار بی‌شماری باشد.

ظاهراً دلیلی را که این نمایندگان در پس‌زمینه‌ی این خواست خارق‌العاده‌ی‌شان قرار داده‌اند، این است که حساب‌های فیسبوکی جعلی به‌نام آن‌ها ساخته شده و از آدرس این حساب‌ها، به نشر اکاذب و مسایل تحریف‌شده اقدام می‌گردد. هرچند که این ادعا هنوز فاصله‌ی زیادی دارد تا منزلت واقعیت و اثبات را پیدا کند، اما حتا در صورت اثبات نیز، موردی نمی‌تواند بود که منبع از آن، یکی از آزادی‌های عام و نامحدود شهروندان در استفاده از شبکه‌های مجازی از آن‌ها سلب گردد. در همین مورد باید اشاره کرد که یکی از کارکردهای بلااستثنای فرآورده‌های تکنولوژی و از آن جمله خلق دنیای مجازی، در کنار نشر و فراگیری اطلاعات، گاهی تطفیف‌سازی و دست‌کاری واقعیت‌های زندگی غیرمجازی انسان‌ها نیز هست. بدین‌معنا که سوای عریان و همگانی شدن حقیقت‌های پنهان و تحویل حوزه‌ی خصوصی به حوزه‌ی عمومی، وجه کارپردی دیگری دنیای مجازی این است که بر بعضی از واقعیت‌های برهنه‌ی زندگی غیرمجازی و یا واقعی، یا سرپوش نهاده می‌شود و یا هم چیزی از آن کاسته می‌گردد و در این فرایند، تصویر متفاوتی که از زندگی پدید می‌آید، نام «مجازی» بر آن نهاده می‌شود. یعنی رسالت دنیای مجازی را صرف در بازتاب دادن بی‌کم‌وکاست دنیای واقعی نمی‌توان تقلیل داد، هرچند که مهم‌ترین رسالت آن است.

در پهلوی این، تبلیغاتی شدن زندگی و موارد تأثیرگذار در زندگی انسان‌ها در جهان امروز که پیدایش فراگیر شبکه‌های مجازی بهترین نماینده‌ی آن است، یکی از واقعیت‌های این زندگی است. محض نمونه، اگر امروزه عکسی از قرن گذشته را به‌دست بیآوریم و این عکس مال یکی از متشخص‌ترین شخصیت‌های زمانه‌ی هم بوده باشد، می‌بینیم که در ساده‌ترین شکل؛ در دفتر کار، در خانه و در کنار فامیل و یا هم در حال قدم زدن به تنهایی در کنار ساحل بازنمایانده شده است. در این نوع عکس‌ها، به‌ندرت دیده می‌شود که شخصی متنفذ، در یک مکان مزدحم و در میان سیل انبوهی از جمعیت دیده شود. اما همین ژانر دیداری، یعنی عکس، در دنیای امروز که سلطه‌ی بلامنازع مجازها بر آن عملاً مشاهده می‌شود، به نظر نمی‌آید مگر به‌خاطر استفاده‌ی تبلیغاتی از آن و از شخص/اشخاصی که این عکس آن‌ها را در خود جا داده است در یک رستوران، در یک مارکیت تجاری، در کنار یک کالای فروشی دیگر و در

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: جواد ناجی
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه آرا: هادی دریابی
 بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
 چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.



Aref Yaqubi

هزاره‌ها را دردهم‌زنک کی گشت؟

پس از حادثه‌ی دوم اسد در دهم‌زنک، بلافاصله گزارش‌هایی به نشر رسید که گروه موسوم به دولت اسلامی یا داعش مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است. دولت افغانستان نیز ادعا کرد که صداهای شنود شده توسط آن‌ها نشان می‌دهند که گویا داعش پشت این حملات بوده است. اما بعید به نظر می‌رسد گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) که در عراق و سوریه فعال است، در افغانستان وجود داشته باشد. ایدئولوژی، اهداف و برنامه‌های داعش با القاعده و گروه‌های تروریستی دیگر چون لشکر جنگوی، تفاوت‌های بنیادی دارد: داعش به دنبال قلمرو و ایجاد خلافت اسلامی است، چیزی که در افغانستان به دلایل مختلف امکان‌پذیر نیست. اول: به نظر می‌رسد کسانی که بیرق داعش را در برخی مناطق افغانستان بلند می‌کنند، عمدتاً کسانی هستند که از بدنه‌ی اصلی طالبان افغانستان و تحریک طالبان پاکستانی جدا شده‌اند. نفس مسئولیت‌پذیری حادثه‌ی دوم اسد، دلیلی برای حضور داعش در افغانستان نیست. داعش، در گذشته نیز مسئولیت حوادث و کشتارهای را به عهده گرفته است که هیچ رابطه‌ی مستقیم با این گروه نداشته. در ضمن، داعش برای یکایک حملاتی که راه می‌اندازد، توجیه‌نامه منتشر نمی‌کند. اهداف این گروه تروریستی و دلیل انسان‌ش‌ی‌شان واضح است. اینکه ادعا شد داعش انتقام جنگجویان سوریه را از تظاهرات کنندگان دوم اسد در کابل گرفته، قصه‌ی داعش و کشتار دهم‌زنک را بیجیده‌تری کند.

احتمالاً دولت افغانستان، از اسم «داعش» و حضور آن‌ها در افغانستان استفاده‌ی ابزاری می‌کند. مقام‌های امریکایی و کارشناسان ارشد غربی همواره نسبت به حضور داعش در افغانستان تردید داشته‌اند، اما مقام‌های افغان اصرار دارند که داعش در افغانستان فعال است. بخشی از این ماجرا ممکن است به درماندگی دولت افغانستان و دلسردی منابع کمک‌کننده‌ی امریکایی، مرتبط باشد. مقام‌های افغان با این اصرار ورزیدن‌های‌شان سعی دارند روایتی خلق کنند که توجیه‌کننده‌ی منافع ملی حضور امریکا در افغانستان باشد و امریکایی‌ها را متقاعد کنند تا به افغانستان بمانند و دست از کمک و همکاری برندارند. دولت افغانستان بر این امر واقف است که اگر امریکایی‌ها و همکاران بین‌المللی‌شان به این نتیجه برسند که داعش واقعا در افغانستان وجود دارد، قطعاً کمک‌های‌شان را به افغانستان افزایش می‌دهند. امریکایی‌ها به هیچ قیمتی حاضر نیست، افغانستان نیز مثل عراق به دام داعش بیفتد و منافع ملی امریکا بالفعل یا درآینده با خطر مواجه شود.

دوم: دولت افغانستان برخی گروه‌های وابسته به طالبان را کمک‌های مالی و تسلیحاتی می‌کند. روزنامه‌ی وال استریت ژورنال، اخیراً افشاکرد که دولت افغانستان برای مدت‌ها در مناطق مختلف این کشور خاصاً جنوب، با فرماندهان طالبان رابطه دارد. پول، اسلحه و تجهیزات در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. مقام‌های ارشد دولتی، بدون ذکر نام‌شان، که با این روزنامه صحبت کرده گفته‌اند که دلیل کمک‌های دولت افغانستان به برخی فرماندهان طالبان، ایجاد شکاف میان این گروه و تشویق آن‌ها به پروسه‌ی صلح است. طالبانی که از سوی دولت افغانستان مورد حمایت قرار داشته‌اند، مصونیت نیز داشته/ دارند. یعنی می‌توانند بدون تهدید از سوی دولت افغانستان، گشت و گذار کنند. این طرح دولت افغانستان ظاهراً با شکست مواجه شده و نتیجه‌ی دلخواه نداشته است. حالا، این فرماندهان طالبان که از سوی دولت کمک‌های نقدی و حتی تسلیحات نظامی دریافت کرده‌اند، در دوران ساختار حکومت و پروسه‌ی صلح، دارای روابط پیچیده، خطرناک و ابهام‌آمیز اند. قصه‌ی افراد و گروه‌های که به‌شکل پراکنده در افغانستان زیر نام داعش آدم می‌کشند، انتحاری‌ها را به جاهای حساس انتقال می‌دهند، نمی‌توانند کاملاً بی‌ربط به این بازی پیچیده‌ی حکومت باشماره‌ی فرماندهان طالبان باشند. سوم: در میان افراد و گروه‌های که برنامه طالب و داعش در افغانستان فعال‌اند، عناصر وابسته به لشکر جنگوی و گروه‌های افراطی پاکستانی وجود دارند. لشکر جنگوی، با نظامیان پاکستانی و حلقه‌های استخبارات درون ارتش این کشور رابطه دارد. هدف این گروه، جرقه زدن به یک جنگ فرقه‌یی داخلی در افغانستان است. این تاکتیکی است که گروه‌های تروریستی چون القاعده از آن در کشورهای مختلف از جمله عراق و مصر استفاده کرده است. با توجه به این که افغانستان برای یک مدت طولانی سراسر درگیر مناقشه و کشمکش‌های قبیله‌یی بوده است، اما مردم این کشور از یک نوع جنگی به شدت ویرانگر تاحدی پرهیز کرده است: جنگ مذهبی میان شیعه و سنی. پس از حادثه‌ی یازدهم سپتامبر، خشونت‌های فرقه‌یی تعداد قابل ملاحظه‌ی کشورهای اسلامی را متلاشی کرده است. اما پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ تا هنوز، هیچ کشمکش و نزاع عمده فرقه‌یی میان شیعه‌ها و سنی‌ها در افغانستان صورت نگرفته است.

عناصر و حلقه‌های در درون ارتش و سازمان استخبارات پاکستان همواره تلاش کرده تا دولت افغانستان را تضعیف کنند. بخشی از استراتژی‌ی پاکستان برای به زانو درآوردن دولت افغانستان، زمینه‌سازی اختلافات قومی میان افغان‌ها است. بدترین کشتار هزاره‌ها در سال ۱۹۹۶ اتفاق افتاد، زمانی که جنگجویان عرب وفادار به اسامه بن لادن و شبه‌نظامیان پاکستانی وابسته به لشکر جنگوی، به فرماندهان طالبان پیوستند. اما از سرگیری کشتار و گيروگان‌گیری هدفمندانه‌ی هزاره‌ها در غور، زابل و اخیراً دهم‌زنک کابل، شک و تردیدها نسبت به عملکرد حکومت را به شدت افزایش داده، به بدبینی‌های قومی دامن زده و اعتماد بخش قابل ملاحظه‌ی جامعه را از حکومت سلب کرده است. این دقیقاً همان چیزی است که نظریه‌پردازان اختلافات قومی و بی‌ثباتی افغانستان، می‌خواهند.

ازین‌رو، رسیدگی شفاف، عادلانه و عاری از گرایش‌های قبیله‌یی به پرونده‌ی کشتار دوم اسد، برای تداوم و ثبات سیاسی افغانستان فوق‌العاده حیاتی است. رییس‌جمهور غنی، اگر می‌خواهد از «فروپاشی» حکومت‌اش جلوگیری کند و با طراحان «سقوط نظام کابل» هوشمندانه برخورد کند، باید با صداقت تمام به حادثه‌ی دوم اسد رسیدگی و در صدد اعتمادسازی میان مردم و حکومت باشد. نفس اعتراضات مدنی شهروندان افغان، ممکن است کم‌رحم‌گویی را ختم نکند، اما پیامدهایی که نادیده گرفتن اعتراضات مردم و برخورد‌های قومی - سلیقه‌یی نسبت به مسایل ملی به دنبال دارند، به‌سادگی زمینه‌ی فروپاشی حکومتی نه‌چندان پایدار افغانستان را فراهم می‌کند.

ترامپ: هواپیمای حامل پول نقد برای ایران را اشتباه گرفتیم

شهروند ایرانی‌تبار امریکایی از زندان‌های ایران مبلغ ۴۰۰ میلیون دالر را به‌صورت نقد در اختیار ایران گذاشته است.

دولت امریکا گفته است که پول پرداختی بخشی از دارایی‌های ایران بوده که در زمان گروگان‌گیری کارکنان سفارت امریکا در تهران مسدود شد و قرار بود همراه با بهره آن به ایران بازگردانده شود. گفته‌های اخیر دونالد ترامپ رهبران حزب جمهوری‌خواه را نگران کرده است. ناظران می‌گویند که سخنان آقای ترامپ در مورد مشاهده‌ی هواپیمای حامل پول و بهره‌برداری از آن در مبارزات انتخاباتی بر نگرانی رهبران حزب جمهوری‌خواه نسبت به شیوه‌های تبلیغاتی و بحث‌برانگیز نامزد حزب افزوده است.

حزب دموکرات نیز از این رویکرد دونالد ترامپ شدیداً انتقاد کرده و بارک اوباما و خانم کلینتون نسبت به صلاحیت او برای تصدی سمت ریاست‌جمهوری امریکا ابراز تردید کرده‌اند.

غیر از این‌جا، جای دیگری بشنوید: ایران تمامی این تصویر ویدیویی را پخش کرد، تصویر خارج شدن پول‌ها از داخل هواپیما را.

دونالد ترامپ گفت که هدف ایرانیان از گرفتن و توزیع این فیلم «شرمسار کردن» امریکا و رییس‌جمهور این کشور بوده است. پس از آن آقای ترامپ در تویتر خود نوشت که هواپیمایی که او دیده، هواپیمای حامل گروگان‌ها در ژنو بود نه هواپیمایی که ۴۰۰ میلیون دالر پول نقد به ایران حمل می‌کرد.

او دولت بارک اوباما را متهم کرده است که با پرداخت «باچ» به دولت ایران، «گروگان‌های امریکایی» در آن کشور را به‌دست آورد. اما بارک اوباما، رییس‌جمهور امریکا، پرداخت «باچ» برای آزادی شهروندان امریکایی از زندان‌های ایران را رد کرده است.

روز سه‌شنبه این هفته یک نشریه‌ی امریکایی گزارش کرد که دولت امریکا برای رهایی چند

اطلاعات روز: دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا می‌گوید در مورد ویدیوی هواپیمای حامل پول نقد ارسالی دولت امریکا برای ایران اشتباه کرده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، او در سخنانی که چند ساعت پیش از آن در گردهمایی طرفداران خود گفته بود، ضمن حمله‌ی شدید به اقدام دولت بارک اوباما، رییس‌جمهور امریکا، در ارسال ۲۰۰ میلیون دالر پول نقد به ایران گفته بود که فیلم ویدیویی هواپیمان حامل این پول را مشاهده کرده است.

آقای ترامپ به روز جمعه گفته بود: «هواپیما وارد می‌شود، هواپیمای قشنگی است، و تصور می‌کنم پول را از آن منتقل می‌کنند.» او همچنین تلویحاً دولت یا نهادهای اطلاعاتی ایران را عامل توزیع این فیلم قلمداد کرد و گفته بود: «این را به‌خاطر داشته باشد، چون فکر نمی‌کنیم این موضوع را

جنگنده‌های ارتش دنمارک برای نخستین بار مواضع داعش را بمباران کرد

نیروهای عملیات ویژه‌ی این کشور به سوریه را شامل می‌شد. جنگنده‌های ارتش دنمارک تاکنون ۶۳ عملیات هوایی علیه داعش در عراق ترتیب داده‌اند. روسیه نیز حدود یک سال است که به‌طور جداگانه مواضع گروه‌های مخالف دولت سوریه را در این کشور بمباران می‌کند.

تاکنون در قالب نیروهای ائتلاف علیه داعش به رهبری امریکا که نزدیک به دو سال است که حملات هوایی علیه مواضع داعش در عراق و سوریه انجام می‌دهد، تنها در عملیات‌های مشخصی در عراق مشارکت داشتند.

به نقل از رادیو زمانه، ارتش دنمارک می‌گوید اکنون به دنبال گسترش و دامنه‌دار کردن حملات خود به داعش در سوریه است. پارلمان دنمارک نیز چندی پیش لایحه‌یی را تصویب کرد که اعزام

اطلاعات روز: فرمانده ارتش دنمارک می‌گوید که چهار جت اف-۱۶ این کشور برای نخستین بار به مواضع داعش در سوریه حمله کرده‌اند.

او گفته است که این جت‌ها مقر شبه‌نظامیان داعش در شهر رقه، پایتخت خودخوانده‌ی این گروه را بمباران کردند. در این حملات به مرکز پرسونل نظامی و انبار تسلیحات داعش خسارات جدی وارد شده است.

دنمارک عضو ناتو است و نیروهای این کشور

حزب عدالت و توسعه در ترکیه دستور تصفیه‌ی درونی اعضای مرتبط با گولن را داد

خوانده است. به تاریخ ۱۴ اسد دادگاهی در استانبول حکم بازداشت آقای گولن را به اتهام رهبری کودتای نافرجام ۱۵ جولای صادر کرد. در واکنش به این امر، آقای گولن گفته است که این حکم نشان می‌دهد که نظام قضایی ترکیه از استقلال برخوردار نمی‌باشد. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، دولت ترکیه از امریکا خواسته که آقای گولن را به اتهام دست داشتن در کودتا به ترکیه مسترد کند اما امریکا می‌گوید ترکیه باید اسناد مربوط به این اتهام را به امریکا تحویل دهد.

گولن سال‌هاست که در یک تبعید خودخواسته در امریکا زندگی می‌کند و اتهام دست داشتن در کودتا را رد می‌کند. علاوه بر این تصفیه‌ی اعضای حزب عدالت و توسعه، آقای اردوغان از دولت خواسته تا اقداماتی را برعلیه بازرگانان مرتبط به فتح‌الله گولن اتخاذ کنند. گفته می‌شود تاکنون چندین بازرگان سرشناس به‌دلیل داشتن ارتباط با آقای گولن بازداشت شده‌اند.

در همین حال آقای گولن صدور حکم بازداشتش را نمونه‌یی دیگر از اقتدارگرایی رجب طیب اردوغان

اطلاعات روز: حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، حزب حاکم در ترکیه، دستور تصفیه‌ی درونی اعضای این حزب را که مظنون به ارتباط با فتح‌الله گولن، رهبر سیاسی و مذهبی منتقد دولت‌اند، داده است.

خبرگزاری آناتولی ترکیه گفته است که این حزب در دستورالعملی از تمامی شعبه‌هایش خواسته تا فوراً اقدامات لازم را برای تصفیه‌ی کسانی که با آقای گولن ارتباط دارند، انجام بدهند.

پس از انجام کودتای ناکام در ترکیه، دولت آقای اردوغان فتح‌الله گولن را عامل آن می‌داند. آقای

حمله‌ی افراد مسلح در ایالت آسام هند ۱۴ کشته و ۱۵ زخمی برجا گذاشت

کامل به سر می‌برد. تاکنون انگیزه‌ی این حمله معلوم نیست. نیوتن، یکی از مقامات پولیس ایالت شمال شرق هند، نیز گفت در این حمله سه شبه‌نظامی شرکت داشتند که یکی از آن‌ها از سوی پولیس کشته و جست‌وجو برای یافتن دو نفر دیگر ادامه دارد. در سال ۲۰۱۲ میلادی نیز در درگیری‌هایی میان این گروه مسلح و ساکنان مسلمان اغلب بنگالی این منطقه به‌وقوع پیوست، صدها کشته و تعداد زیادی بی‌خانمان برجا گذاشت.

این حادثه به روز جمعه در بازار شهر «کوکراچهار» در ۲۲۰ کیلومتری شهر «گواهاٹی»، مرکز ایالت آسام، رخ داده است. پولیس گفته است که این درگیری ۲۰ دقیقه طول کشیده و یکی از افراد مسلح در درگیری با پولیس کشته شده است. خبرگزاری ایرنا به نقل از یک مقام پولیس هند نوشته است: «مهاجمان با پرتاب نارنجک نیز سه دکان را ویران کردند.» این حمله‌ی مسلحانه درحالی رخ می‌دهد که پولیس در آستانه‌ی روز استقلال هند در آمادگی

اطلاعات روز: مقامات پولیس در شمال شرق هند گفته‌اند که در نتیجه‌ی تیراندازی افراد مسلح در منطقه‌ی تجاری ایالت آسام ۱۴ نفر کشته و ۱۵ نفر دیگر زخمی شده‌اند.

شبکه‌ی خبری «تایمز آو ایندیا» در گزارشی گفته است که بیشتر زخمی‌ها و افراد کشته‌شده کشاورزان و روستاییان می‌باشند. در همین حال آژانس امنیت ملی هند هم گفته است احتمالاً اعضای جبهه‌ی «دموکراتیک بودولند» در این حمله دست داشته‌اند.

سازمان ملل: اعدام ۲۰ زندانی اهل سنت در ایران «بی‌عدالتی بزرگ» است

اعدام کودکان کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل همچنان در بخش دیگری از بیانیه‌ی خود به اعدام حسن افشار، ۱۹ ساله که هنگام ارتکاب جرم ۱۷ سال سن داشته اشاره کرده و گفته است که اعدام نوجوان مجرم، اقدامی شنیع است و من از ایران می‌خواهم تا به ممنوعیت اکید اعدام نوجوانان براساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، احترام بگذارد. حسن افشار متهم به «لواط به عنف» با پسر نوجوان دیگر است که در ۲۹ سرطان در زندان اراک اعدام شده است. با این‌حال سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید دست‌کم ۱۶۰ نفر که در نوجوانی به اعدام محکوم شده‌اند، در زندان‌هایی در سراسر ایران نگاه‌داری می‌شوند. ایران، پس از چین بیشترین شمار اعدام‌ها را در جهان به خود اختصاص می‌دهد.

این متهمان از دادرسی عادلانه و حق داشتن محاکمه‌ی عادلانه، منجر به بی‌عدالتی بزرگ در این پرونده‌ها شده است.»

زید رعد حسین همچنان در بیانیه‌اش به پرونده‌ی شهرام احمدی، یکی از این اعدام‌شدگان اشاره کرده و گفته است که وی زیر فشار و زور مجبور شده برگه‌ی بازجویی را امضا کند که اعترافات نادرست وی در آن نوشته شده بود.

در همین حال کانون مدافعان حقوق بشر ایران، به ریاست شیرین عبادی، برنده‌ی ایرانی جایزه‌ی صلح نوبل، در بیانیه‌ی «اعدام‌های دسته‌جمعی» تعدادی از زندانیان اهل سنت با «اتهام‌هایی مبهم و غیرمشخص» و همراه با «شکنجه» و «محروم بودن از دادرسی عادلانه» در طول مدت زندان را «زنک خطری برای جامعه‌ی حقوقی ایران» پس از «اعدام‌های در دهه‌ی ۶۰» دانسته است.

اطلاعات روز: زید رعد حسین، کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به روز جمعه در بیانیه‌ی اعدام ۲۰ زندانی اهل سنت در ایران را یک «بی‌عدالتی بزرگ» خوانده و نسبت به برخورداری این افراد از محاکمه‌ی عادلانه ابراز تردید کرده است.

به روز سه‌شنبه، ۱۲ اسد، قوه قضاییه‌ی ایران اعلام کرد که حکم اعدام شماری از زندانیان با اتهامات تروریستی را اجرا کرده است. اما دادستانی کل ایران دو روز پیش شمار افراد اعدام شده در سه ولایت ایران را ۲۰ نفر اعلام کرد.

به نقل از رادیو فردا، کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل گفته است که افرادی که گفته می‌شود به اتهام اقدامات تروریستی اعدام شده‌اند، اکثر آن‌ها از اقلیت سنی کرد بوده‌اند. او گفته است: «ایراد اتهامات کلی و مبهم به همراه محرومیت

آنچلوتی: شواینی به بایرن بازخواهد گشت

کارلو آنچلوتی، سرمربی بایرن مونیخ، احتمال بازگشت باستین شواین اشتایگر به این تیم را رد کرد. هافبک آلمانی که در منچستریونایتد عضویت دارد، از این تیم به زودی جدا خواهد شد و به تیم دیگری خواهد پیوست. او ۱۳ سال در بایرن بازی کرده و محبوبیت بسیاری در این تیم دارد ولی آنچلوتی احتمال بازگشتش را رد کرد. او گفت: او بازیکن فوق‌العاده‌ی بود ولی در برنامه‌های ما جایی ندارد. فکر نمی‌کنم در حال حاضر موقع مناسبی برای بازگشت او به مونیخ باشد. حال باید دید تکلیف کاپیتان سابق تیم ملی آلمان که اخیراً از میادین ملی خداحافظی کرده به کجا خواهد کشید و او در نهایت راهی چه تیمی خواهد شد.

بوفون: فتح CL زیباترین اتفاق است

جان لوییچی بوفون، دروازه‌بان با تجربه یوونتوس، تأیید کرد که هیچ چیز در دنیای فوتبال برایش زیباتر از کسب قهرمانی در رقابت‌های چمپیونزلیگ نیست. این دروازه‌بان با تجربه که با یوونتوس قهرمانی در سری A، کوپا ایتالیا و سوپر کاپ ایتالیا را جشن گرفته، با تیم ملی ایتالیا قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ نیز شد اما در دوباری که به فینال چمپیونزلیگ رسید، موفق به فتح آن نشد.

او اکنون امیدوار است که تیمش بتواند با خریدهای گران‌قیمتی که در این تابستان انجام داده طلسم ناکامی در این رقابت‌ها را بشکند.

او به اسکای اسپورت ایتالیا گفت: هدف اصلی تیم قهرمانی در چمپیونزلیگ است. فوق‌العاده خواهد بود که بتوانیم جامی که سال‌هاست به آن دست پیدا نکرده‌ایم را کسب کنیم. این هدف اصلی باشگاه، تیم و خود من است.

در نهایت چیزی زیباتر از بردن جامی که تا به حال به آن دست پیدا نکرده‌اید، نیست. به ویژه برای هوادارانی که لحظات مهمی را در تاریخ باشگاه تجربه کردند، فتح این جام بسیار فوق‌العاده خواهد بود.

دارمیان: هر جا مورینیو خواهد بازی می‌کنم

متئو دارمیان، مدافع ایتالیایی منچستریونایتد تأکید کرد که آماده است در هر پستی مورینیو بخواهد، بازی خواهد کرد.

این مدافع ایتالیایی که با نظر لوییسی فان خال از تورینو به منچستر ملحق شد، فصل گذشته ۲۸ بار با پیراهن شیاطین سرخ در میدان ظاهر شد.

دارمیان در این خصوص به وب سایت رسمی منچستر گفت: رقابت بسیار سالمی در تیم وجود دارد و ما همه عضو یک گروه با کیفیت هستیم. شما باید همیشه آماده باشید تا هر زمان مربی از شما خواست، برای بازی کردن مشکلی نداشته باشد. مورینیو بسیار مربی بزرگی است و کارنامه‌ی وی، مویید این نکته است. شخصاً حاضریم در هر پستی که او می‌خواهد بازی کنیم و قصد داریم تا از ابتدای این فصل، کیفیت بازی خود را افزایش بدهیم.

انتقاد نیمار از شروع ناامیدکننده برزیل در المپیک

تیم برزیل به کاپیتانی نیمار، در اولین بازی خود در المپیک ریو نتوانست به نتیجه‌ی بهتر از تساوی بدون گل دست یابد.

نیمار پس از تساوی بدون گل برزیل به خبرنگاران گفت: برای ما این تساوی یک شکست بود. می‌دانستیم که وظیفه ما تنها پیروز شدن است اما این را هم می‌دانستیم که کار ساده‌ی نخواهیم داشت و این امشب ثابت شد.

این‌گونه نیست که چون در خانه بازی می‌کنیم، طلا را تقدیم ما خواهند کرد. مطمئناً در طول تورنمنت، با سختی و دشواری‌های بیشتری مواجه خواهیم شد ولی باید یاد بگیریم چه‌گونه بر آن‌ها غلبه کنیم. باید آرام باشیم و روی بازی یکشنبه برابر عراق تمرکز کنیم که بازی ساده‌ی نخواهد بود.

مورینیو: برای خرید پوگبا همه کار می‌کنیم



ژوزه مورینیو، تأکید کرد که این تیم برای پیوستن پوگبا، قبل از آغاز لیگ برتر، همه کار خواهند کرد. پوگبا در آستانه پیوستن به جمع بازیکنان منچستر با مبلغ ۱۲۰ میلیون یورو قرار دارد. مورینیو در این خصوص گفت: بازار نقل و انتقالات تا ۳۱ اگوست فعال است اما من ترجیح می‌دهم تا ۱۴ اگوست و قبل از شروع لیگ برتر، همه بازیکنانم را داشته باشم و برای این مهم همه تلاش‌مان را خواهیم کرد.

مورینیو گفت: من علاقه ندارم تا در مورد بازیکنان دیگر تیم‌ها صحبت کنم. البته خیلی از مدیران دیگر تیم‌ها در مورد بازیکنان ما حرف می‌زنند. پوگبا در حال حاضر بازیکن یوونتوس است و تا رسمی نشدن قرارداد، من در این خصوص صحبتی ندارم. تا به حال از شرایط تیمم راضی هستم. ما تا به حال ۴ بازیکن گرفتیم نه ۱۰ بازیکن. اما سعی کردم خریدهایی کنم که باعث بهبود کیفیت تیمم شوند. ما یک مدافع مرکزی جوان و بسیار با کیفیت به خدمت گرفتیم. یک بازیکن خلاق به جمع ما اضافه شد و یک مهاجم کلاس جهانی به ما پیوسته است. در حال اضافه کردن یک هافبک فوق‌العاده هستیم تا تعادل در تیمم حفظ شود. من از ترکیب تیمم بسیار راضی هستم.

چرا مادریدی‌ها نامزد نهایی مرد سال اروپا شدند؟

به مراحل بالاتر ایفا کردند. رونالدو را بسیاری از حالا برنده توپ طلای ۲۰۱۶ نیز می‌دانند.

گرت بیل: هرچند مصدومیت‌های گاه و بیگاه اجازه ندادند که گرت بیل در لالیگا حداکثر بازدهی را برای رئال داشته باشد اما او درست زمانی که رئال از وجود رونالدو و بنزما محروم بود، در چند بازی یک تنه بار خط حمله رئال را به دوش کشید و با گول‌های سه امتیازی خود، رئال را تا روز آخر به قهرمانی لالیگا امیدوار نگاه داشت.

گول او به سیتی در نیمه نهایی لیگ قهرمانان نیز باعث صعود کهکشانی‌ها به فینال شد. بیل در لالیگا ۱۹ گول برای رئال زد؛ در حالیکه تنها ۲۳ بازی توانست برای این تیم انجام دهد.

بیل با تیم ملی ولز در یورو ۲۰۱۶ نیز درخششی غیرقابل تصور داشت. او سه گول زد و کمک کرد ولز به نیمه نهایی برسد هرچند که سرانجام پشت سد پرتگال نتوانست به فینال راه یابد.

گریزمان: فصل ۲۰۱۵-۲۰۱۶ برای گریزمان تا روزهای پایانی فوق‌العاده سپری شد. او در لالیگا ۲۲ گول، در کوپا دل ری ۳ گول و در لیگ قهرمانان نیز ۷ گول برای اتلتیکو به ثمر رساند.

گول او به بایرن در بازی برگشت نیمه نهایی لیگ قهرمانان باعث صعود اتلتیکو به فینال شد اما داستان فینال برای گریزمان دراماتیک بود.

او یک پنالتی حساس در جریان بازی را از دست داد و اتلتی در نهایت با شکست از رئال در ضیافت پنالتی‌ها بار دیگر دستش از قهرمانی اروپا کوتاه ماند.

گریزمان به عنوان مهاجم اول تیم ملی فرانسه در یورو ۲۰۱۶، بار اصلی گول‌زنی خروس‌ها را بر دوش داشت. او در این تورنمنت با زدن ۶ گول آقای گول شد اما همچون لیگ قهرمانان، در یورو ۲۰۱۶ نیز فینال برای او داستان خوشی نداشت.



فهرست نهایی نامزدهای مرد سال فوتبال اروپا دیروز از سوی یوفا اعلام شد و بر این اساس، از بین رونالدو، گرت بیل و گریزمان، یکی این عنوان را تصاحب خواهد کرد. سه بازیکنی که در عضویت تیم‌های مادریدی قرار دارند.

قرار است ۲۰ روز دیگر در مراسم ویژه‌ی در مقر یوفا در سوئیس، برنده نهایی معرفی شود. پس از اعلام سه نامزد نهایی، بسیاری از نبود نام‌هایی چون مسی و سوارز ابراز تعجب کردند چرا که تقریباً هر سال عادت داشتیم حداقل مسی را در میان نامزدهای نهایی مشاهده کنیم.

عدم توفیق بارسلونا در لیگ قهرمانان، با وجود قهرمانی آبی‌اناری‌ها در لالیگا و کوپا دل ری، چانس دو فوق ستاره این تیم را به قدری کاهش داد که در میان سه نامزد نهایی جای نگرفتند اما چرا کریستیانو رونالدو، گرت بیل و آنتوان گریزمان، شایسته حضور در فهرست نهایی بودند؟

رونالدو: این بهترین سال دوران فوتبالم بود. کریستیانو در آخرین مصاحبه خود به این مساله اذعان کرد. فصلی که گذشت برای رونالدو فوق‌العاده سپری شد. فوق ستاره رئال مادرید توانست به ویتترین افتخاراتش، لیگ قهرمانی دیگر را اضافه کرده و در یورو ۲۰۱۶ نیز به عنوان کاپیتان پرتگال، جام قهرمانی را بالای سر ببرد.

او از لحاظ فردی نیز فصل موفق‌تری را پشت سر گذاشت. رونالدو برای رئال در لالیگا ۳۵ گول به ثمر رساند که البته برای آقای گول شدن او کفایت نمی‌کرد اما در لیگ قهرمانان با زدن ۱۶ گول توانست برترین گول‌زن رقابت‌ها باشد. رونالدو در یورو ۲۰۱۶ نیز سه گول زد تا به رکورد ۹ گول پلاتینی در تاریخ رقابت‌های یورو برابری کند. هر سه گول او نقش تعیین‌کننده‌ی در صعود پرتگال

کلوپ: تمایلی به فروش ستاره‌ها نداریم

یورگن کلوپ، سرمربی آلمانی لیورپول تأکید کرد که هرگز علاقه‌مند نیست تا ستاره‌های خود را به فروش برساند.

اخبار زیادی در مورد فیلیپ کوتینیو و پیوستن او به تیم‌های دیگر به گوش رسیده است.

یورگن کلوپ گفت: امیدواریم از آن دسته تیم‌هایی باشیم که ستارگان خود را به راحتی از دست نمی‌دهند. این موضوع خیلی مهم است. این موضوع باید از اهداف اصلی ما در فصول بعدی باشد. هیچ تیمی در دنیا نمی‌تواند با تغییرات پیاپی در ترکیبش موفق باشد.

سرمربی سابق دورتموند گفت: ادامه حضور بازیکنان کلیدی، نقش بسیار مهمی در نتایج تیم دارد. باید در داشتن ترکیبی ثابت استمرار داشته باشیم.

تنها در این صورت کسب موفقیت امکان‌پذیر است. شما باید خود را در موقعیت پیروزی قرار بدهید. شرایطی که همه احساس کنند به اندازه کافی تیم قدرتمند است و برای موفقیت باید به هم کمک کنند.

رئیس فیفا

از اتهام وارده تبرئه شد

جانی اینفانتینو، توسط کمیته اخلاقی فیفا از اتهامی که به وی وارد شده بود تبرئه شد.

نشریه آلمانی دی ولت ادعا کرده بود که بازرسان فیفا در حال تحقیق در مورد این هستند که آیا اینفانتینو دستور انهدام یکی از نوارهای مکالمات شورای فیفا را در ماه اول ریاستش بر این سازمان داده یا نه؛ اتفاقی که اگر رخ داده باشد، او با تعلیق ۹۰ روزه روبرو می‌شد.

کمیته اخلاقی فیفا دیروز تأیید کرد که پس از تحقیقاتی که چندین هفته به طول کشید و رئیس فیفا و شاهدان در این زمینه نهایت همکاری را با آن کمیته داشتند، اینفانتینو از اتهامی که به وی وارد شده بود تبرئه شد.

اینفانتینو چند ماه پیش توانست در رقابت با شیخ سلمان عنوان ریاست فیفا را کسب کند.

ترجیح می‌دادم در سویا بمانم تا به بارسا بروم

مهاجم فرانسوی جدید اتلتیکو، علت پاسخ منفی‌اش به پیشنهاد بارسلونا را صرفاً دلایل ورزشی عنوان کرد.

کوبین گامیرو که فصل گذشته برای سویا ۲۹ گول به ثمر رساند، هفته گذشته با قراردادی ۳۲ میلیون یورویی به اتلتیکو پیوست؛ در حالیکه از بارسلونا نیز پیشنهادی جدی دریافت کرده بود.

او در مصاحبه با اکسپرس در مورد دلیل پیوستنش به اتلتیکو مادرید گفت: می‌توانستم به لیگ برتر انگلیس بروم چون پول بیشتری می‌دادند. همچنین از اتلتیکو و بارسا پیشنهاد داشتم با این حال ترجیح می‌دادم در سویا بمانم تا این که بخواهم به بارسلونا بروم.

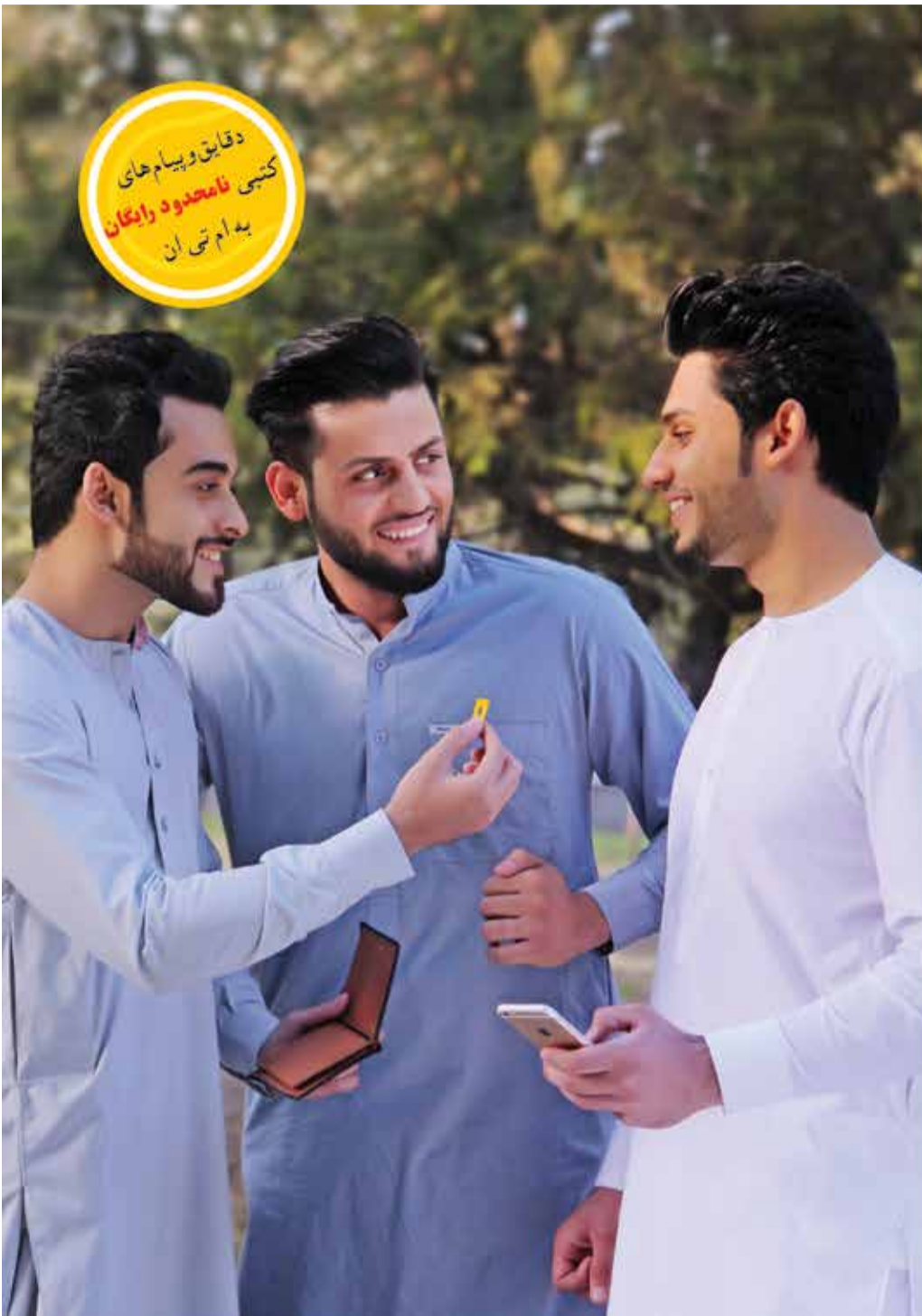
در این میان اتلتیکو گزینه بهتری برای من بود چون می‌دانستم اگر به بارسلونا پیوندم، فرصت کمی برای بازی به من خواهد رسید؛ در حالی که وقتی با سیمثونه صحبت کردم، او به من گفت که به دنبال مهاجمی مثل من می‌گشت که هم در دفاع و هم در حمله تأثیر گذار باشد و همچنین بتواند گول‌های زیادی برای اتلتیکو به ثمر برساند.

حقوق زیدان

دوبرابر خواهد شد

باشگاه رئال مادرید قصد دارد حقوق زین الدین زیدان، سرمربی خود را پس از قهرمانی او در چمپیونزلیگ، دوبرابر کند.

روزنامه AS نزدیک به رئال مادرید مدعی شد که زیدان به خاطر تغییراتی که در روند رئال ایجاد کرد و در نهایت موفق شد به همراه این تیم قهرمان چمپیونزلیگ شود، بدین طریق پاداش خواهد گرفت. در واقع حقوق ۲٫۷ میلیون یورویی او در سال به ۵٫۵ میلیون یورو افزایش خواهد یافت. با وجود دوبرابر شدن حقوق، زیدان همچنان کم‌تر از کارلو آنچلوتی، سرمربی سابق رئال حقوق دریافت می‌کند. کارلتو در مدت دو سال حضورش در رئال، سالیانه ۷٫۵ میلیون یورو حقوق گرفت که ۲ میلیون یورو بیش از حقوق فعلی زیدان است.



دقایق و پیام های کتبی نامحدود رایگان به ام تی ان

سیمکارت ام تی ان خویش را دوباره فعال نمایید!

تماس ها و پیام های کتبی نامحدود رایگان را بدست آرید

اگر شما از سیمکارت ام تی ان خویش از ۲۱ ثور سال ۱۳۹۵ بدینسو استفاده نکرده اید، ۵۰ افغانی و یا بیشتر از آن در حساب خویش اضافه نموده و به تمام شماره های ام تی ان تماس ها و پیام های کتبی نامحدود رایگان را برای همان روز بدست آرید. شما نیز میتوانید در بسته ویژه روزانه ام تی ان اشتراک نمایید و در بدل ۵ افغانی فیس روزانه ۱۰۰ دقیقه رایگان و ۱۰۰ پیام کتبی رایگان برای همان روز بدست بیاورید.

برای اشتراک، همین حالا کدیت اضافه نمایید.

نام بسته	فعال نمودن	دقایق به ازای آن	پیام های کتبی به ازای آن	نوع بسته	مدت اعتبار	شماره فعال نمودن	فعال نمودن
بسته ۵۰ افغانی و ۵۰ پیام کتبی <td>۱۰۰۰ دقیقه <td>۱۰۰۰ پیام کتبی <td>۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td></td></td></td>	۱۰۰۰ دقیقه <td>۱۰۰۰ پیام کتبی <td>۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td></td></td>	۱۰۰۰ پیام کتبی <td>۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td></td>	۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td>	همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td>	یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td>	۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td>	بهر
بسته ویژه روزانه <td>۰۳۲۱۰۱۵ <td>۱۰۰ دقیقه <td>۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td></td></td></td>	۰۳۲۱۰۱۵ <td>۱۰۰ دقیقه <td>۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td></td></td>	۱۰۰ دقیقه <td>۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td></td>	۰۷۸۹۰۳۳۵ <td>همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td></td>	همان روز <td>یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td></td>	یکبار <td>۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td> </td>	۰۳۲۱۰۲۵ <td>بهر</td>	بهر

* استفاده متناوبه قابل تطبیق میباشد.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید. لبت و راجستر سیمکارت حتمی میباشد.

www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | @MTNAF | LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

با شما در همه جا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com

همگام با شما در سفر حج بیت الله شریف

داریانا افغان هوایی شرکت افتخار مینماید که پروسه انتقال حجاج محترم را امسال نیز بدوش داشته و پرواز های حجاج گرامی از کابل و ولایات عنقریب آغاز میابد



شرکت مخابراتی افغان بیسیم نمایندگی بزرگ خود را در شهر کابل افتتاح نمود

بیسیم در راستای عرضه محصولات و خدمات جهانی برای تمام مشتریان خویش نه تنها در کابل، بلکه در تمام کشور متعهد می باشد. قابل ذکر است، شرکت مخابراتی افغان بیسیم به تعداد ۷۸ نمایندگی در سراسر کشور دارد، که در زون های کابل، قندهار، فراه، هرات، جلال آباد، خوست، کندز، میمنه و مزار شریف موقعیت دارد، از آن جمله ۱۶ نمایندگی آن مربوط زون کابل می شود که شامل ولایات میدان وردک، کاپیسا، پنجشیر، بامیان، پروان، لوگر، غزنی و ولسوالی های بگرام، شرنه و ارگون می شود.

نمایندگی هایی که مربوط شهر کابل می شوند در ساحات سر زیرزمینی، کوته سنگی، ارزان قیمت، لیسه ی مریم، شاهسمند پلازا، تاق ظفر پخمان و در پل سرخ کارته سه موقعیت دارند که نمایندگی پل سرخ اکنون افتتاح و به بهره برداری سپرده شد. شرکت مخابراتی افغان بیسیم (www.) (AWCC)

این نمایندگی دارنده ی جواز که در ساحه ی پل سرخ کارته سه موقعیت دارد، به منظور عرضه خدمات مخابراتی و مابیل های آیفن به مشترکین افغان بیسیم ایجاد گردیده است.

نمایندگی جدید افغان بیسیم منجبت یک ایستگاه عرضه کننده ی تمام خدمات آیفن و سایر خدمات برای مشتریان ایجاد شده است، تا مشتریان این شرکت بتوانند از این جا دیدن نموده، آخرین و پیشرفته ترین تلفن ها، خدمات اینترنتی و دستگاه های بیسیم را به شمول iPhone SE که در افغانستان قابل دسترس می باشد، به دست آورند.

آقای امین رامین؛ رییس شرکت مخابراتی افغان بیسیم حین افتتاح گفت: «ایجاد نمایندگی جدید افغان بیسیم، ۱۰ نمایندگی دیگر در کابل و ۷۸ نمایندگی در سراسر کشور که توسط این شرکت تنظیم می گردد، یک مثال روشن و تأثیرگذار در عرصه ی تکنولوژی بوده و نشان می دهد که افغان

شرکت مخابراتی افغان بیسیم خدمات گسترده ی مابیل در افغانستان می باشد که خدمات مخابراتی بیسیم را در افغانستان بنیان گذاری نمود. این شرکت در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط محترم احسان الله بیات، رییس عمومی گروپ شرکت های بیات (www.bayat-group.com) تأسیس و راه اندازی شد.

افغان بیسیم در راستای عرضه محصولات و خدمات جهانی برای تمام مشتریان خویش نه تنها در کابل، بلکه در تمام کشور متعهد می باشد. قابل ذکر است، شرکت مخابراتی افغان بیسیم به تعداد ۷۸ نمایندگی در سراسر کشور دارد، که در زون های کابل، قندهار، فراه، هرات، جلال آباد، خوست، کندز، میمنه و مزار شریف موقعیت دارد، از آن جمله ۱۶ نمایندگی آن مربوط زون کابل می شود که شامل ولایات میدان وردک، کاپیسا، پنجشیر، بامیان، پروان، لوگر، غزنی و ولسوالی های بگرام، شرنه و ارگون می شود.